

## توطئه علیه فدائیان خلق محکوم است

در کشوری که امپریالیسم، توسط ایادی آشکار و نهان خویش سلطه خود را همچنان حفظ کرده است، آشکار و نهان بر علیه توده های ستم دیده مسلمانان توطئه میکند. در جایی که باند های مزدور وابسته به ساواک و امپریالیسم ( نظیر قباد موقت ) آزادانه منافع خلق را مورد تجاوز قرار میدهند، و در حالی که بسیاری از فدائیانقلابیون، در حال توطئه بر علیه خلق - های ما و نیروهای واقعی انقلاب هستند، از نظر سرمایه داری حاکم و همدستان وی گویا که چریک های فدائی خلق، به عنوان یک سازمان سیاسی - نظامی که سالیها بر علیه رژیم شاه خاشن سرد کرده است، حین داشتن سلاح ندارد، بیوشنجان نیسان زلی می باشد. ۳ صفحه

گزارشی از: مبارزات روستائیان رزمنده های الك (نه لك) از هفتی آرمان زحمتكشان صفحه ۶



دوشنبه چهارم شهریماه ۱۳۵۸ - بها : ۱۵ ریال

وصفی از یک اپیدمی روشنفکران صفحه ۳

مبارزات کارگران بیکار آمریکا

صفحه ۴

اخبار کارگری صفحه ۷ و ۸  
گزارشی از خرمشهر، اعتصاب کارگران شرکت ایران تزمینال صفحه ۸

## ادامه خیانت های تهرانی جلاد

سرما به داری حاکم و همدستان انحصارطلب و تنگ نظری خروزم که میگرد با مقاومت بیشتر از پیشرفت انقلاب، و با حرکت در جهت عکس آن پیش از پیش سیمای واقعی خویش را نشان میدهند. اما برستی چرا آنها مجبورند در مقابل زحمت کشان بایستند؟ چرا آنها مجبورند بجای کارگر، سرمایه دار، بجای دهقان، زمیندار، بجای شیوه دموکراتیک، زور و قلدری... را انتخاب کنند؟ جواب این سوال روشن است. زیرا که اذامه انقلاب، نقش دمکراسی، و وارد آمدن ضربات بیشتر بر امپریالیسم و ارتجاع موجودیت خود آنها را در معرض خطر جدی قرار میدهد. و روشن است زمانیکه آنها برای وارد آوردن ضربه به ارتجاع نمیتوانند مسئله ارضی را حل کنند پس باید که نقش همدستان را بزرگ و اربابها را بازی کنند. زمانی که آنها نمیتوانند درد کارگران را علاج کنند، پس بهترین راهم عاجزند، پس با بزبان پرتع غشایز و قیاده، موقت و... میگردند. آنها هنگامیکه نمیتوانند آزادی و عدالت را در تلویزیون و مطبوعات خویش رعایت کنند، بنه بره اختناق و چلبلیات می افتند... به عبارت دیگر آنها از ناهیدی کامل سیستم کهنه کشته عاجزند و نمیتوانند سیستم نوینی را که مورد درخواست واقعی زحمتکشان و توده های ستمدیده است، به وجود آورند. بنابراین مجبورند که سه

از قیام بهمن ماه تاکنون، میوه چندان انقلاب نیمه کاره خلقهای ما تلاتر وسیع و همه جانبه ای را برای به انحراف کشاندن ستم مبارزه توده های ستمدیده ما به عمل آورده اند. آنها تلاتر میکنند که به خلقهای ما چنین وانمود سازند که "فد انقلاب" و "فد انقلابی" نه سرمایه داران فراری و نه لاجوردبها و حاج برخوردارها که راحت در این کشور به استثمار خود ادامه میدهند بلکه کارگران حق طلب و بیکار گروسته ای هستند که حقوق عادلانه خویش را میخواهند. آنها از زمینداران بزرگ و ارباب های جنایت کار که همچنان به غارت و ستم خود ادامه دهند پشتیبانی میکنند ولی در عوض دهقانان حق طلبی را که به صاحب زمین های این جنایتکاران پرداخته اند، غاصبین و اغلالگران و فدا انقلابیون معرفی میکنند. آنها شبانه روز و هیستریک وار میکوشند تا سه توده ها بملولانند که جامعه ما نه بر اساس طبقات دار و ندار و نه بر اساس وجود زالوهای که خون مردم زحمتکش و شیره دسترنج آنها را میکشد، از یک طرف، و توده های ستمدیده و زحمتکش از جانب دیگر، بلکه بر اساس مذهبی هائیسر مذهبی ها تشکیل گرفته است. آنها کوشش میکنند که نه توده هاجنین تقسیم سازند که دشمنان واقعی آنها، نه امپریا - لسم آمریکا، نه شرکت های غارتگر نفت و غیره و نه سازمان های توطئه گر نظیر سیا، بلکه نیروهای مارکسیست، لنینیست هستند.

## مراسم گرامی داشت سالروز شهادت سعید (حامد) معینی

روز پنجشنبه ۳۱ خرداد، اولین سالگرد شهادت رفیق سعید معینی، برادرشهادا سلیمان و عبدالله معینی، در بهاباد برگزار شد. در این مراسم اشعار و مقالاتی در یادبود او خوانده شد. پدر و خواهر "سعید" در این مراسم سخنانی ایراد کردند. بهام سازمان انقلابی زحمتکشان، جمعیت های کردستان، چریکهای فدائی خلق شاه، کردستان و چندین گروه دیگر نیز در این مراسم خوانده شد. سعید در سال ۱۳۲۹ در شهر بهاباد متولد شد و تحصیلات خود را تارجه، دیپلم در این شهر ادامه داد. آنگاه برای ادامه تحصیل راهی تهران گشت و در موسسه عالی آمار و انفورماتیک پذیرفته شد. سعید که از کودکی در کسوران مسائل سیاسی بود و شهادت برادرش تاثیر ژرفی در روحیه و شخصیتش گذارده بود، در دوران دانشجویی خود، پیش از پیش با مسائل سیاسی آشنا گشت. او در سال ۱۳۵۰ با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان آشنا میشود و در سال ۵۴ در یک برخورد اتفاقی دستگیر شده و سه سال زندان محکوم میگردد. رفیق سعید معینی پس از آزادی از زندان در رابطه با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان شروع به فعالیت میکند و بعنوان یک ما بوریست سازمانی به کردستان عراق میروند تا در جوار همزمان پیشترک به مبارزه ادامه دهد. در این دوران در یک درگیری مسلحانه با ما مورین رژیم فاشیستی بعت، رفیق به شهادت میرسد. گرامی یاد ما طره شهیدان بخون غخته خلق

## تجاوز به حریم آزادی درسنگر آزادی

بار دیگر فاشیسم چهره کرسه خود را در روز جمعه گذشته در دانشگاه تهران به نمایش گذاشت: با خشونت تمام به هزاران نفر که به دعوت "جبهه دموکراتیک ملی ایران" در دانشگاه گرد آمده بودند حمله شد. و این بار و چشمان تر، آنها را بلاکاردها را پاره کردند، سیم بلندگوها را قطع کردند. و با سنگ و جمعیت و هیئت گرداننده مشتنگ هجوم بردند و آنها را زخمی کردند و... به آنها اجازه سخنرانی داده شد ولی آنان تنگ نظری و انحصارطلب تر از این حرفها بودند... مخصوصا کابین نار بستن گیم تر بود. زیرا که علنا دستور جلوگیری از اجتماعاتی نظیر این در دانشگاه، داده شده بود. سرمایه داری حاکم از این اعمال قلبا خرسند است. او بدستی میداند که این اعمال در خدمت تثبیت اوست. بنابراین به کسانی که از دست انحصارطلبان سبه وی شکایت میکنند یک نشیخند. میرند! ولی توده های ستم دیده ما و تمام نیروهای که در راه آزادی و استقلال مهن گام بر میدارند در هرا دشته این چنینی بیشتر می آوزند که چهره واقعی هیت حاکمه را سه در کناره های بظا هر زیبا و فریبنده اش بلکه در کسوران او باید ببینند. آنچه در روز جمعه اتفاق افتاد تنها اعمال قلدری یک مشت عناصر متکوک و انحصارطلب نبود بلکه سیران و حدرک میوه چندان انقلاب آزادی نیز بود.

## تاریخ قضاوت خود را کرده است

بیوست، و نقش یک فردور را به بهترین وجهی بازی کرد. آقای حبیبی، شما در ان زمان موقتا و با لنگی تمام، کشان، دشمنان آیت الله خمینی و ایده های ضد سلطنتی ایشان، افتادید. شما آری شما که آنروز در بی "تظهن" بختیار مزدور هستید در آنروزها سالت بر نقش که باید بازی میکردید تا بلکه توده های انقلابی و مبارز را فریب دهید، بختیار را از جبهه ملی اخراج کردید و حتی در خیرنامه خودتان (خیرنامه جبهه ملی) بختیار خاشن را عامل سنا معرفی کردید، عاملی که در جبهه شما نفوذ کرده است! گویا سکه از نظر مبارزین آگاه، سیاسی بودن و یا نبودن وی دیگر اهمیتی نداشت، زیرا که او عملا مزدور آشکار امپریالیسم آمریکائیده بود، ولی شامه خیال خود خواستید از تر "این واقعیت که یکی از رهبران جبهه ملیی آشکار را در مقابل خلقی ایستاده است. فرار کنید. ولی کار شما در آنروز با بختیار تمام نشده بود و شما کارهای زیادی علیرغم همه این فریبکاریها داشتید. اگر او در آنطرف، ما مور امپریالیسم برای سرکوب و ساختن جاده سازش بود، شما نیز در آنطرف احساس مسئولیت" عظیمی برای شرکت فعال در ساختن این جاده سازش میکردید. شما شما کوشش خود را برای جلوگیری از جلوتر رفتن توده های ستمدیده مردم در راه انقلاب

در مورد تاپوز بختیار و خیانت به مردم ایران تاریخ قضاوت خود را کرده است. و آقای حبیبی عفتو کمیته اجرائی جبهه ملی ایران بسپوده میکوشد آب نظهر بروری اعمال خیانتکارانه بختیار در هنگام مدارش بریزد. اینکه آقای حبیبی به پیشینه بختیار و نیز به "حسن نیت" او اعتماد میکند، اینکه ایشان کوشش میکند نقش او را در قتل عا های ستمد توسط ارتش مزدور و کاردهای رنگارنگ انکار نماید، در واقع است، که همانا خیانت بختیار به مزدور خدمتشن به امپریالیسم است تغییر نمیهد. بختیار شاه را سر داده بودند و زمانی که پشت امپریالیسم آمریکا از پیشرفت انقلاب ایران به لوزه در آمده بود، و در هنگامیکه توده های خلق ما قانون اساسی کهنه شده را به عنوان توجه گر رژیم فاسد شاهنشاهی و بقای "سلطنت" تنگن، با دست های برتوان خود مجاله کرده و در زباله دانی تاریخ می افکندند، آری در چنین شرایطی بختیار متزلزل و مردد، بختیار که همچون دیگر پارانها هیچگاه نتوانسته بود بطور استوار در جناح انقلاب قرار گیرد، بلکه گاهی در آنطرف و گاهی در آنطرف بود، این بار قاطعانه و سبرای همیشه به جناح امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

### گرامی باد خاطرۀ رفیق شهید:



### غلامحسین صاحب‌اختیاری

اینکه از شهدای بیشمار خلق، از آنان که جان خویش را در راه وراثتی زحمتکشان گذارند و خون خویش را وشقیه بهروزی کارگران و دهقانان و دیگر ستمدیدگان نهند یاد کنیم، امری عادی است. از آنان تحلیل میکنیم، از آنان الهام می‌گیریم و با پیشوانه مبارزات پرشور و بیگیرمان راه آزادی را ممانعت می‌کنیم و جلو میرویم. ارتجاع می‌کند بین شهدای گرامی خلق تشخیص قائل نشود، از آن برسد نام شهدای خلق که زیر لوی مذهب مبارزه نمی‌کردند اما با وحی وحشت‌داره، مغرورانه و از سر سیاسی مبارزان خشکی نا پذیر را که در سالهای سیاه خفقان - آنروز که خودشان سر در لاک فرو برده به ندبه و دعا دلخوش کرده بودند - به مبارزه می‌آید اما با رژیم سفاک شاه میرداخته بهیچ میگیرند. اما این برای کمونیستها، برای رزمندگان راستین طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، عجیب نیست. کمونیستها خود به این سخن انقلابی بزرگ قرن بیستم، رفیق هوئی مین باور دارند که گفت:

«بین خلفای تحت‌ستم و استثمار از یکطرف و امپریالیستها از سوی دیگر غندهای عظیم وجود دارد که باید با خاکستر کمونیستها برود. کمونیستها از این وظیفه سیمگین و در مین حال شریستی که بدوش دارند. با آغوش باز استقبال میکنند.»

رفیق شهید غلامحسین صاحب‌اختیاری دانشجوی دانشگاه صنعتی بود. در سال ۱۳۵۴ در ادامه مبارزات انقلابی به زندگی مخفی پیوست. رفیق در شاخه شهید بخش منتهب (م.ا.) سازمان مجاهدین خلق ایران فعالیت میکرد. در ۱۷ فروردین ماه ۵۵ در فلکه حرم (در مشهد) سوسله عمال جنایتکار ساواک دستگیر شد. او در زیر شکنجه وحیانه ساواک و دست‌نشانندگان امپریالیسم آمریکا قرار گرفت و در دوم تیرماه همان سال شهیدت رسید.

ظاهر رشادتهای او دیگر رفقای شهید که همگام با رزم اوران انقلابی بیشمار خلق ما و سرانجام قیامهای سراسری بوده‌ای و قیام بهمن ماه پایه‌های رژیم ددشت‌شاه را به لرزه درآورده از جا کنده‌اند برای همیشه گرامی خواهد ماند.

## محمد رضا سعادت، محمد جواد حاتمی، شبیر معیل و ناصر حیاتی را آزاد کنید!

گزارش ضمن... ادامه از صفحه اول

کارگران در درجه اول بایستی که خود را متشکل سازند یعنی بر نیروی خود اتکا کنند. یعنی اول سنگینی خود را بسازند و خواستههای خود را در دستور فعالیت‌های این سنگین قرار دهند. از این طریق اولاً فشاری تری به کارفرما وارد میشود و از طرفی بر اتحاد و قدرت کارگران افزوده میشود. از طرف دیگر کارگران میتوانند و باید که در درجه اول از طریق تظاهرات تکرارهای دیگر کارگری خواستههای خود را در سطح طبقه کارگر مطرح سازند و پشتیبان آنها را جلب کنند.

مسئله اخراج و بیکاری چیزی است که همیشه کارگران را تهدید میکند و متذکران امروز و فردای کارگران نباشد. از اینرو کارگران می‌بایستی به رسمیت شناخته شدن حق بیکاری را که از حقوق مسلم خودشان میباشد در سر لوحه فعالیت‌های خود قرار دهند و بر روی تحقق این امر تاکید کنند. کاری که کارگران ویلیام برادرزکرده اند و فقط به بازگشت کارگران اخراجی (که کار درستی است) اکتفا کرده‌اند.

### ادامهٔ خیانت... ادامه از صفحه اول

عناصر و نهادهای کینه و ارتجاعی گذشته بنه‌ای برسد. و به پاسدار آنچه از سیستم کینه باقی مانده است، بدل شوند. در متن چنین واقعاتی است که اهداف مورد نظر از دادگاه تهرانی جلا و آرش دژخیم توجیه میگردد. و بنه‌ای برسد به یک شکنجه‌گر و به یک جلا و یک دژخیم آریامهری - از جانب گردانندگان این نمایش شوع آور تلویزیونی - معنای واقعی خود را بنه‌ای میکند.

اگرچه جریان این دادگاه اوج فحاح و شوع در زمینه مبارزه با انقلابیون و مخصوص مارکسیست - لنینیست‌های واقعی است، اما از کسانی که بر مافی ماندن سیستم و تقویت آن نظر دارند، این عمل غیر قابل انتظار نیست، کسانی که از خیامی‌ها و رشای‌ها دعوت میکنند که با کمال آسودگی به اسیران برگردند، و به آنها قول میدهند که جان و مالشان در امان است. کسانی که به لاجوردی‌ها اجازه ادامه استثمار و ستم به کارگران و خلق ایران را میدهند، باید هم که به تهرانی جلا این خادم صادق و پاسدار منافع همین لاجوردی‌ها و رشای‌ها، فرصت ادامهٔ خیانت در پوشش جدید بدهند و باید هم که از تهرانی دعوت کنند تا در یک تو تلویزیونی به لکه‌ها کردن حیثیت انقلابیون راستین بپردازد. و در واقع اعمال گذشته خود را ادامه دهد.

اما از نظر توده‌های آگاه و متدیبه ما این اولین اقدام و تبلیغ رذیلت‌ها علیه نیروهای انقلابی راستین و مارکسیست لنینیست‌ها نبوده و مسلماً آخرین آنها نیز نخواهد بود. در این زمینه قبلاً توطئه جنایتکاری نظیر ثابتی (که پس از قیام بهمن ماه) در پی وجود آوردن درگیری بین نیروهای مذهبی و مارکسیست و سپس برآه انداختن حمام خون علیه مارکسیست‌ها هستند بر ملا شده است. سرهنگ توکلی مطلوب الحال بخاطر افشای توطئه سرکوبی نیروهای چپ و سربوردگی به رژیم سابق ارجاباراجات " دولت موقت " کتار گذاشته شد.

حمله به مراکز فدائیان و مجاهدین دستگیری ۴۴ فدائی (و سپس آزادی ۴۱ تن آنها) - انتشار در کتابخانه‌ها و کتاب‌های علمی به وجود آوردن جنایاتی نظیر ذغال‌شن کمال، کودک‌خوشتی، حمله به نظرات نیروهای انقلابی و مترقی... همه و همه در این رابطه اتفاق افتاده است.

بهینترتیب نمایشنامهٔ دست‌نشانستی و عد انقلابی تهرانی، همان خط و همان هدفی را دنبال میکند که قبل از این با شونوه‌های آن از تاشناشی داشتیم، برای اینکار تهرانی‌ها با اعلامیه‌ای " اعلام همسنگی کرد - چیزی که امروز از جانب خانیون و مزدوران رواج دارد - و با زورنگی تمام به جالبوسی از گردانندگان امور پرداخت، اما چهره تهرانی جلا کشتی‌تر و متعفن‌تر از آن بود که گردانندگان سیاست‌های فوق‌الذکر به همین سادگی بتوانند از وی در این زمینه استفاده کنند. بنا بر این لازم نبود نخست از وی چهره یک عنصر " ماق " و کسی که کوبا بخاطر مردم همه چیز را می‌گوید و از بسیاری جنایات پرده برمی‌دارد و... ساخته بشود به همین لحاظ بود که تهرانی دژخیم در محابه و جلسات دادگاه نخست تلالن میکرد چه‌جا برای راستی نام و ماق بهسه انقلاب از خود بسازد. او تلالن میکرد با انگشت گذاشتن بر احساسات مذهبی خلق چنین وانمود کند که به آنچه آنها مؤمن هستند او نیز ایمان آورد و است! و از کارهای قبلی خود نادم است. او چنین وانمود میکند که دارد، تمام اطلاعات خود و تمام آنچه را میداند در اختیار دادگاه و مردم میگذارد. ولی واقیت‌ها چیست؟ آیا تهرانی بیشتر از آنچه در پرونده‌ها و صورت‌جلسات موجود است، درباره جنایات دستگاه چینی ساواک و خود حرف زد؟ آیا تهرانی در مورد جنایات ساواک و کمیشنر آتجه در سینه‌های زندانیان سیاسی ضبط است، کلامی بر زبان آورد؟ همان‌طور که خود تهرانی جلا اعتراف میکند، بر اساس پرونده‌های موجود، اکیپ‌های شرکت‌کننده در هر دستگیری و کتار و جنایات انقلابیون و افراد ن شخص و معلوم است، شکنجه‌گران و بازجویان، تمام انقلابیون که شکنجه شده، نفس فلو پیدا کرده و یا در زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند، نیز معلوم‌اند آنچه که پرونده‌ها ساکت است، زندانیان سیاسی می‌خوانند اکثر حقایق را روشن سازند... در این میان جنایات و فجایع تهرانی بیشتر از همه روشن شود

است. همه زندانیان سیاسی میدانند و پرونده‌های موجود نشان میدهد که تهرانی در کدام عملیات شرکت داشت، عامل کدام باجوشی و شکنجه بوده و چه‌کسانی بدست‌ها و شربت‌شهادت نوشیده‌اند. بنا بر این تهرانی جلا از این بابت نیز تازه‌ای نداشت که بگوید.

باری تهرانی در پی تلالن برای ساختن چهره‌ای مدام و پشیمان از خود... هدف اصلی خود و گردانندگان این نمایش‌ها نشان را به اجرا درآورد. او رذیلت‌ها می‌کوشید تا با دروغ و تحریف و جعل حقایق، شخصیت انقلابیون را که بدست‌وی و باران جلا تلالن شهادت رسیده‌اند، لوت کند. او به هیچوجه شکنجه‌های حیوانی خود را آنچنان که بود ترسیم نکرد. او به هیچوجه به کم و کیف شکنجه‌ها، انظوره واقعا بود اشاره نکرد، در عوض میباید انقلابیون و دست‌نشانستین ترسیم میکرد که کویسا بلافاصله پس از دستگیری همه چیز را لو میدادند! او به مقاومت‌های حماسه آفرین فدائیان سپاه کمال اشاره نکرد، او هیچوقت گفت که این دلوران آن - چنان رژیم شاه را به هراس انداخته بودند که حتی بدون تشکیل دادگاه‌های فرمایشی تیرباران شدند. اما تلالن کرد که چنین وانمود سازد که شهدای سپاه کمال همه چیز را به آسانی لو داده‌اند تا عطف‌مد کمونیست‌ها و دشمنان فدائیان را زغغ نماید.

او از مقاومت‌ها و تلالنهای فدائیان انقلابیون مارکسیست - لنینیست حرف نزد بلکه تلالن کرد که چهره آنان را با دست‌بازی به زهرات و دروغ و تهمت ملوت

**هدف صحنه‌گردانان دادگاه:**  
**کویدن انقلابیون و سازمانهای انقلابی**

**شوتلویزیونی تهرانی، ادامه اعمال گذشته‌وی بود**

**وقتی یک دژخیم صادق نمی‌شود،**  
**طبعاً مادر مجاهد اخلاک‌لغز خواهد شد!**

از او فدکاری و جان‌بازی دورس‌ها، رشای‌ها، سبحان الهی‌ها، حاج‌اختیاری‌ها و... کلامی بر زبان نیازرد ولی گوش‌کردن تا به خواست گردانندگان این صحنه کویدن سازمان پیکار جواب دهد.

اما تهرانی جلا باید هم که این تحریکات را بر زبان می‌آورد، باید هم که چنین شونوه به انقلابیون کمونیست می‌تابد. او کلسارزده‌ای نکرد، زیرا راه فعلی او ادامه همان راه قبلی اش بود. حرف‌های او در دادگاه بر علیه سازمان پیکار و سازمان چریکهای فدائی خلق بر زبان آورد، ادامه همان کینه ورزی و کمونیت‌یک جلا به انقلابیون راستین بود. دروغ و تهمت‌هاش که او در مورد ما و رفقای فدائیان بر زبان آورد، ادامه همان دروغ و تهمت‌ها بر زبان می‌آورد که بیشتر از این نیز بارها و بارها از شبکه رادیو تلویزیونی رژیم شاه ارائه شده بود. و ما در مورد آنها توضیحات خود را مدتهاست که به خلق داده ایم (م).

آری اگر دبروز این تهمت‌ها و حملات تاخوالت‌نرم دانه از جانب رژیم شاه خاشن علم میشد، اگر دبروز این شاه خاشن بود که از شرورهای فد انقلابی که صورت گرفته و ما با آن مزین شده‌ایم حرف میزد، و از آن چماق سرکوب تبلیغاتی بر علیه انقلابیون میساخت، امروز بزندان و تسلیم طلبانی که تا دبروز از ترس مقابله با رژیم شاه در خارج کشور براحتی زندگی میکردند و با تسلیم طلبان و محافظه‌کارانی که شاهد ساکت، و نظاره‌گر جنایات رژیم بودند، این رسالت را به عهده گرفته‌اند. و جالب‌است کسانی از زور محکوم و فدائیان مجاهدین شهید تهرانی واقفی و صدقه لباف‌سو استفاده کرده و از آن پیراهن عثمان ساخته بدست تهرانی جلا می‌زدند این می‌انگند و آنها را شکنجه میدهند. برای آنها با پوش درست میکنند تا بلکه سازمان آنها را بدنام سازند. امروز کسانی سنگ شریف واقفی را از طریق تهرانی به سینه میزنند که در دادگاه همین

(م) - ما در اعلامیه توضیحی مبرما ۱۵۷، اعلامیه توضیحی سازمان پیکار، نظرات دربارهٔ تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران طی سالهای ۵۵ - ۵۷ به تفصیل مواضع خود را در مورد انتقادات و اصلاحات درونی‌بخش منضمب سازمان مجاهدین اعلام کرده ایم.

جلادان اجازه صحبت به یک مادر مجاهد نمی‌دهند و او را اخلاک‌مردی معرفی میکنند!

بنابراین در این صحنه هادر رابطه با خود شیزه‌ای وجود کشف‌اش، جلادی که هرگز نمیتواند و نمیتوانست کینه انقلابیون را که بر روی وی الهه کشیده بودند، دزخیمی که سرپرده رژیم سنگین پهلوی بود، هیچ چیز تازماری انقادی نیفتاد، و اگر جز این نبود شعبه برانگیز بود، مگر عنمرکنشی، مانند شیزه‌ای میثوانت عوفی شود.

آنچه در این دادگاه اتفاق افتاد و توجه همه را جلب کرد، صحنه‌های مردم فریب، و شادی سرآی تهمت‌زدن به انقلابیون راستین بخصوص سازمان مسا و فدائیان بود که از آنها جدا شده‌اند آن کارگر-دانی میشد.

آنها گردانندگان این نمایشات تحریف‌آمیز تلویزیونی، که حاضرند تلویزیون را چندین شب بلند - گوی لجن پراکنی‌های یک عنمر کنش مثل تهرانی قرار دهند، حاضرند به سازمان‌هایی که انعام و تمییز بر علیه آنها زده شد، اجازه استفاده از همین ترمیم‌ها را بدهند؟ مسلماً نه. و از این لحاظ آنها چه پاسخی به خلق دارند؟

گردانندگان این شو تلویزیونی که هرگز به یک انقلابی و مارکسیست-لنینیست اجازه استفاده از تلویزیون برای بازگو کردن واقعیات نمی‌دهند، و بر عکس به یک جلال که به تنهایی چندین نفر از انقلابیون سینه ما را شهادت رسانده است، اجازه می‌دهند انقلابیون و حتی انقلابیون شهید ما را با چل و تحریف حقایق به محاکمه کشد، چه پاسخی به خلق ما دارند. آنها که ما تهرانی جلا دهیستند تا اند تا به خیال خود حیثیت سازمانهای انقلابی پیکار و فدائی را لکه دار سازند، چگونه خواهند توانست عمل خود را توجیه کنند؟ اگر واقعا مسئله انشای جنایات ساواک در سینه بود، چرا اینهمه پرونده‌های ساواک و تک تک جنایات‌هایی که شده است تا این زمان از طریق تلویزیون افشا شده است؟ اگر مسئله اطلاع خلق بر جنایات رژیم گذشته مطرح است، چرا از حقایق مربوط به هزاران قرارداد بین ایران و آمریکا برده برنمی‌دارید؟ اگر واقعا نشان دادن چهره‌های کثیف و مزدور رژیم گذشته مطرح است، چرا از دادگاه هورداها و نصیری‌ها که خیلی هم برای مردم مهم بود و خیلی هم مورد خواست توده‌ها بود، چیزی نشان ندادید؟

چرا واقعا شما میخواهید جنایات تهرانی-افشا شود، چرا به مادر مجاهد کبیری اجازه افشا-گری جنایات ساواک و تهرانی را در همین دادگاه ندادید؟ و او را اخلاک‌مرد دانستید؟

اگر واقعا... پس جز این است که این دادگاه در اساس نباید افشای جنایات ساواک و تهرانی (که از طرق دیگری نیز امکان پذیر بود) بلکه با هدف کوبیدن انقلاب-سیون و سازمانهای انقلابی مخصوص سازمان پیکار و چریکهای فدائی خلق تدارک دیده شده بود؟

گردانندگان این صحنه‌ها چنین تشخیص دادند بودند که آنچه از خود جرات ندارند بطور رسمی بر زبان آورند، بهتر است از طریق حلقوم کثیف تهرانی مطرح کنند. ولی آنها نمیتوانند درک کنند که نتوانستند در دادگاهی که به ظاهر برای محکومیت تهرانی ترتیب داده بودند انقلابیون و سازمانهای انقلابی را به محاکمه بکنند. و به رغم خیال باطل آنها این تهرانی نبود که در این دادگاه ردبیلانسه کوشش کرد تا انقلابیون و سازمانهای پیکار و فدائی را محکوم سازد بلکه این گردانندگان اصلی این صحنه‌ها بودند که رسوائی خود را در این دادگاه هورداها-انکارا به معرض نمایش گذاشتند.

حاضرگردانان این دادگاه و شو تلویزیونی با وسیع صحنه به دنبال رهنمودهای تهرانی جلا (که فقط یک چشمه آن در نام توپخانه آمیز به آیت الله مجاهد طالقانی و آقای لاهوتی منتشر شده است) افتادند. آنها حداقل این وسعت آندیشی را هم نداشتند که فعلا از رهنمودهای تهرانی برای حفظ ظاهر هم که شده استفاده نکنند. و همین لحاظ قبل از هرکس دیگر خودشان را افشا کردند. آنها که این صحنه‌های خیانت‌کارانه را به وجود آوردند کودکانه به این دلخوش‌گرده بودند که اگر تهرانی از سازمان پیکار و فدائی بد بگویند و به خصمت ما هدین لطمه وارد سازد، از اعتبار این نیروها کاسته خواهد شد. همینطور گردانندگان این صحنه‌ها، خام خیالانسه

فصلا به دلایلش کاری نداریم، بگذاریم برای بعد. پدیده‌های شایع و به قول دیگر یک‌ابیدمی همه جا دیده میشود. گویا اینهم مد شده است: روشن-فکران کجی که خارج از گود دودستی گرز برمیگیرند اما یک قدم به داخل گود نزدیک نمی‌شوند، از همه چیز می‌پرستد اما حاضر نیستند به جواب یک سؤال خود بیایندند، هیچکس را قبول ندارند جز خودشان، عیب و انحرافات دیگران را زیر میکوسکوپ که هیچ صبح تا شب زچ می‌نشینند و با تلسکوپ خیالانسان همه عالم را و روان‌ها میکنند از هیچ چیز نیست‌کس نخواهند سردر بیاورند اما خودشان حاضر به پذیرفتن هیچ مسئولیتی نیستند.

از قیام و مبارزه توده‌ها، از رهبری، از معجزه‌ای که بدست خلق در برانداختن شاه بوجود پیوست، از ساواک و از شکنجه‌ها، از دولت‌فشی، از جناحهای درگیر، از آزادی، از لیبرالیسم، از دموکراسی، از سازمانهای مارکسیستی و ضرورت وحدت، از پیوند با طبقه کارگر و ضرورت پیوند روشنفکران انقلابی با آنان، از ملیت و حقوق خلقها، از توپخانه‌ها و... و هزار چیز دیگر حرف می‌زنند اما وقتی میبیرسی که خوب، توخودت چکاره-ای؟ چه وظیفه‌ای را به عهده داری؟ کدام بار را حاضر از دوش این انقلاب و این خلق برداری، از تنه پشه می‌افتد و با تاملی که بدنی توجیه است آن می‌بارد میگوید: "مطالعه میکنم!". توجیه او ووردگی، با سلیسیم، بی‌عملی و عدم احساس مسئولیت نسبت به خلق زیر سرپوش "مطالعه"، مطالعه‌ای که به بقیم می‌شود، درازن رژیم سابق و به دلایلی دیگر. مطالعه‌ای که کار روشنفکران افغانی است که سرانجام جز در خدمت سوزووازی قرار نخواهد گرفت. نظیر همانها که دوران رژیم سابق و به دلایلی دیگر فقط خود را فریب میدادند و پس از چند سال - لعه و تفکر - بلاخره معلوم شد که حداقل به تا ن - نواشی در همان دستگاه گذاشی رسیده و "محرمانه"

چنین مینداندند که اگر تهرانی جلا در مورد آنها و نیروهای انحصارطلب و بسته آنها چالپوسی کند، اعتبار آنها با خواهد رفت! غافل از اینکه دروغ و تهمت و تحریفاتی که ما پیشاپیش واقفیت و مایهات آنها را در مدارک خود روشن ساخته‌ایم، پیش ازین با حقا نیت می‌دهد، درحالیکه چالپوسی فردی چون تهرانی در مورد نیروهای فوق الذکر، نخواهد توانست با آنها اعتبار به بخشد.

ما افتخار میکنیم که توسط یک جلا و دزخیم به نام تهرانی، بر علیه ما سبیل دروغ و تهمت و سازبراه می‌افند. ما برای گردانندگان این صحنه‌های رسوا و این راه جدا افتخاری نصیب می‌شویم؟ ما افتخار میکنیم که تهرانی جلا دستوا نداشت و نمی‌تواند در وجود ما چراغ سبز سازش خود را پیدا کند، اما آنها که به تهرانی در باغ سبز نشان دادند تا با زهم بر علیه انقلابیون بخازد، به چه چیز افتخار میکنند؟ ما افتخار میکنیم که مبارزه ما بر علیه ستم و استثمار بر اساس رهنمودهای تهرانی جلا (در نامه فوق الذکر داده است) مورد حمله قرار نگیرد. اما گردانندگان که بر اساس رهنمود تهرانی انقلابیون را مورد بیگرد و حمله قرار میدهند کارزار تبلیغاتی بر علیه آنها بر راه می‌اندازند، به چه چیز افتخار می‌کنند؟ ما افتخار میکنیم که تهرانی جلا، این با-فاست سیستم سرما به داری وابسته و جانبا زوفادار رژیم سلطنتی، همچنان در وجود ما نسبت با آنچه بدان معتقد است (ضد انقلاب) احساس خطر میکند، اما آنها که او را وسیله خوبی برای حمله با انقلابیون تشخیص داده‌اند، به چه چیز افتخار میکنند؟

و سرانجام ما افتخار میکنیم که اعلام دارسیم مبارزه خود را تا نبوی کامل سیستم سرما به داری وابسته با میرالیسم و استثمار و ستم که تهرانیها را پرورش داده است، ادامه خواهیم داد، تا بتوانیم در نهایت با جرمهای برسیم که در آن دیگر نیازی به تهرانیها نباشد، تا دیگر اسانهای نظیر تهرانی پرورش نیابند. ما افتخار میکنیم که برای تسخیر انقلاب دمکراتیک و فدا میرالیستی همچنان به پیش میرویم، اما از آنها که این صحنه‌های عوارض را می‌فرستند می‌پرسیم که آنها چه افتخاری برای خود میبینند که به تهرانیها نیازی فریه زدن به انقلابیون نباشد؟ ما میدوروزی که سیستم تهرانی پرور تا نباشد

روزگار میگذراند. حالا اوضاع تغییر کرده است و توضیحات تکلیف عوفی شده است، باقی‌بافه یک محقق به اصطلاح نیتروفا رعایت کامل از خود - جزو اب میدهند: "آخر آن یکی فلان اسم را قبول دارد. آن دیگری آن قدیمیا کج راه میرفت، سومی می‌شاش چنین و چنان است، چهارمی یکی از اعفایش فلانجور است، و بلاخره آن دیگری در فلانجا تبق زد "و هزار عیب و ایراد دیگر... یکی بپرسد، تو چو چه...؟" اما این ابیدمی، یعنی وجود روشنفکران افغانی و بر مدعا خاص جامعه خودمان نیست، این پدیده هم مسلماً علت و انگ طبقاتی‌تر دارد و در هر کجای دنیا که باشد از یک قانون عبور نمی‌کند. از کتاب "شدت برخورد" اثر سوشده برزیلی اما دواماتینتر ترجمه حسین افدای، گوشه‌ای از توصیف این ابیدمی را بخوانید:

وروجک جیبی، ریزه خوار بغره فعالیتها ی زیر زمینی است، نق و شو را بجای اشتیقاد میگردد. کچه از خطر کردن با کسی ندارد اما اصولی فکر میکند: زندگی بی خطر که امن تر است! شرایط ایده آل و حالت "نه طلع و نه جنگ" است. برایش مهم نیست که این حالت، بدترین شرایط ممکنه است. هیچوقت برای او موعد انجام هیچ عملی فرا نرسد. انتظار کشیدن را از او مل نشدن خوشتر دارد. تازه در اغتنام فرصت‌ها هم همیشه بد می‌آورد. وقتی که مجال انجام نمیشود دارد خاش را "ندارد" و وقتی که حال انجامش را دارد ملش را "ندارد". مبارزات اجتماعی را نوعی بازی بازی می‌داند و سرخوردن بسین جناحین را نوعی رقابت سرگرم کننده. از بسین تمام انواع "دعالت" در امور، او "نظارت" را یاد گرفته است و از میان تمام نحوه‌های تجزیه و تحلیل، پیشداوری را، عادت کرده است که انتخاب نکردن را بهترین نوع مقاومت منبلی، برای او در امور اجتماعی هیچ کاری آفندر واجد اهمیت نیست که از آن قطعی انجام نشد همین امروز باشد، کچه "حمل ظلم" را گناهی نه کمتر از "اعمال ظلم" میداند اما بقدری شرحومله و قبل طاقت است که حاضر است برای یک "لقمه" تحول تا روز رستاخیز تسخیر شوئی صفات را بچ به انتظار نوبت نایستد. همیشه در هر دو راهی شرایطی دلایل فراوانی برای ننگیدن دارد. حرف هم که بزنی: آخر دارم خود را برای ساعات انجاری که در پیش دارد، اما - ده میکند! پس طبیعی است که قبل از هر چیز دیگر در حفظ خود بکوشد! اما به همین خاطر است که احتیاط آگاهانها را با وحشت کویکولانه آشنا گرفته‌اند...

"کچه از هر مقاله ای فقط تیشتر را میخواند اما نخواهد ملای عیبی است. اعل علم غیب دارد. نگاه نکن که از فرغادری فقط کیشتر را یاد گرفته است و از خر سواری فقط فشن را، تخصصی "داغ باطل" زند است. قلم پلانشان روی هر ما دله‌ای را عاجز از محاسبه اش باشد میکند. جواب "ش" را برای هرکس که قصد آموختن چیزی را به او دارد اما - ده کرده است. اولین کارش: باور مطلق همه - دانسته‌های "خود و دو سمن کارش: انکار مطلق همه "دانسته‌های دیگران... اما گوش به دهکار "انتقاد از خود نیست، پدا تیشتر غط "تصحیح عوفیشن" نیست...

"... (او) آنچه را که خود دارد از غیر، تنها میکند. آیین در کوزه و بارش در خانه است، اما تشنه لب گرد جهان میگردد. بجای آنکه به چاله و چوله‌های زیر پایش نگاه کند مدام سرش - کپشان است. از تا کتیکیهای فزینی و مبارزات سر - دامنه فلان گروه جان بکف در آن سرقاره حظ میکند اما خودن به اهل سازمان بافتن و سازمان بخشیدن است و نه گرد متشکل شدن و متشکل کردن می‌کند... و بلاخره "او دارای همه جور استعدادی هست بیجز استعداد استفاده کردن از استعداد ها".

توپخانه... ادا نامه زخمه اول سازمان، دستگیری اعفای آن و ضبط سلاح و مهمات و بول آنها، و بعد نقل تحریک آمیز و تحریف آمیز غیر این واقع در روزنامه "جمهوری اسلامی، تنها یک چیز را نشان میدهد و آن ادامه و شدت بیایی توپخانه بر علیه نیروهای انقلابی و ستم‌های مارکسیست - لنینیست. ما این توپخانه را که توپخانه‌ای است بر علیه مصالح انقلاب محکوم میکنیم، و آزادی بی قید و شرط رفقای دستگیر شده، و پس دادن کلیه مهمات و بسول این سازمان را خواستاریم.

# مبارزات کارگران بیکار در آمریکا

● روزنامه‌های دولتی کارگران حق طلب را یغی معرفی می‌کردند  
● در محله‌های کاریگری شوراهای محلی کارگران تشکیل شد

در سال ۱۹۲۹ میلادی مطابق با ۱۳۰۸ هـ. ش، یعنی ۵۸ سال پیش بحران اقتصادی در کشور آمریکا شروع شد، تولیدات بیشتر کارخانجات به نصف و حتی در برخی کارخانجات به یک پنجم اولت رسید. کارفرمایان شروع به اخراج کارگران کردند.

جلوی بیشتر کارخانه‌ها نوشته بودند "کارگر نمی‌خواهم". در عرض یکسال تعداد بیکاران از ۲۹۲ / ۰۰۰ نفر به حدود ۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر یعنی چهارو نیم میلیون نفر رسید. بیشتر قربانیان این بحران اقتصادی، کارگران ماهه بودند. در یک شهر صنعتی حدود ۲۴۰ نیروی فمال شهر بیکار بود. کارفرمایان که می‌دیدند کارگر بیکار زیاد است شروع به کم کردن مزد کارگرانی که مشغول کار بودند کردند. هیچ کاری به تنهایی جز اعتراض کردن نداشت، زیرا در اینصورت اخراج میشد. کارگران خواستار تشکیل صندوق بیمه بیکاری شدند. ولی رئیس جمهور و نمایندگان مجلس سنا اعتدائی به خواست کارگران نکرده و نمی‌کردند. آنها میگفتند تنها مسئله نگرانی حکومت ایجاد شرایط مناسبی برای رشد و توسعه مواصلات عمومی است. باید به تجارت فرصت داده شود تا روی پای خود بایستد. تا بدینوسیله موقعیت میلیونها کارگر حفظ و تحکیم یابد. این حرف آنها به این معنی بود که بجای کمک مالی به کارگران گرسنه دولت باید سرمایه بیشتری در اختیار سرمایه داران و تجار بگذارد تا آنها بتوانند به استثمار کارگران بپردازند تا به این ترتیب تنهایی و امی به کارگران پرداخت نشود بلکه سرمایه داران امکان داده شود که فری را که در اثر بحران به خود آنها وارد آمده، با پولی که دولت در اختیار آنها میگذارد جبران کنند. وضع کارگران روز به روز بدتر میشد. خانواده‌های کاریگری شروع به فروش لوازم و اثاثیه خانه کردند تا بتوانند شکم‌های گرسنه شان را سیر کنند. کمتر از نصف کارگران بیکار اندک پس اندازی داشتند که آنها هم در حال تنگن شدن بودند. کارگران اجباراً به مواصلات غیره خصوصی و مذهبی روی می‌آوردند. اما این مواصلات هم از فرمان درد کارگران عاجز بودند. کودکان در اثر گرسنگی بسیار ضعیف شده بودند. هیچ‌جا باغی باغی نداشتند و لایق نمی‌توانستند به مدرسه بروند. آب و برق خانه کارگران بخاطر نپرداختن پولش قطع میشد. مردان از پیر و جوان بیمان جاده رفته بودند و در جستجوی کارهای شهری بشهر دیگر می‌رفتند. و هر شب زیر سقف‌های گنبدی و اگر نبود زیر سقف آسمان می‌خوابیدند. اما اوضاع همه شهرها مثل هم بود و از کارگری نبود. تکلیفی جدیدی از دوره گردی رایج شد. زنان در اثر فقر به فساد و فحشا کشیده میشدند و جوانان به دزدی و کارهایز از این قبیل روی می‌آوردند. زندگی از طریق گدائی مستدام و روشهای موقتی (هرچه پیش‌آید) رایج شده بود. وجود ارتش عظیم چندین میلیون بیکار به سرمایه داران اجازه میداد تا روز بروز دستمزد کارگران ناغیل را پائین بیاورند. در بهار سال ۱۳۱۰ معاً و وزیر بازرگانی آمریکا اعلام کرد که کانه سیر منابع لبریز شده و با بسیاری حقوق کارگران کم‌تر شود. به این ترتیب فشار بحران بر دوش کارگران بیکار روئان‌تر گذاشته میشد و همین امر به کارگران نشان میداد که منافع همه آنها مشترک است و باید با یکدیگر متحد شوند.

کم کم کارگران از اعتراضات پراکنده و بی نتیجه خسته شدند. و بلزوم اتحاد بیکارچه و اعتراضات و تظاهرات دسته جمعی پی بردند. حزب کمونیست آمریکا در این شرایط در بیانیه‌ای تحت عنوان "خواستهای جنبش بیکاری" مسائل زیر را مطرح کرد.

## خواستهای جنبش بیکاری

در سال ۱۹۳۰، (سال ۱۳۰۹) با اینکه دستگاه دولت و سرمایه داران علیه کارگران تبلیغات زیادی میکردند، ۱/۲۵۰/۰۰۰ کارگری بیکار در شهرهای صنعتی به خیابانها ریختند. در شهر نیویورک تظاهراتی با شرکت یکمدهزار نفر برپا شد. که پلیس به آن توطئه سرخ لقب داد و کارگران بیکار را که از گرسنگی به جان آمده بودند، آتوب‌طلبانی که از خارج کشور گرفته‌اند، نامید. میلیونها زحمتکش در تظاهراتهای مختلف فریاد می‌زدند "با مبارزه با مرگ از گرسنگی". "با کار با حق بیمه بیکاری".

در بسیاری از شهرها پلیس به کارگران حمله کرد و عمده زبانی را زخمی و دستگیر نمود. کم کم مردم آمریکا منوجه میشدند که تظاهرات کارگران نه آتوب‌طلبان خارجی و نه توطئه‌گران سرخ هستند، بلکه کارگران بیکاری

برای جلوگیری از این تظاهرات غیر قانونی اقدامات ضروری را بعمل خواهد آورد. پلیس یا سخت‌بالی آماده‌باش در آمد. ولی هیچک از این اقدامات نتوانست اعتبار را به بیمائی ملی گریستان را از بین ببرد. شمارهای آنان عبارت بود از: قانون بیمه بیکاری. صندوق کمک کارگری آمریکا هفت ساعت کار روزانه. لغو جریمه، پاسخ به خواستهای کشاورزان. راه بیمایان در تمام طول راه با همدردی و همبستگی مردم روبرو بودند. اهمیت این راه بیمائی علاوه بر نشانه همبستگی کارگران در این بود که درخواست بیمه بیکاری اولین بار شکستی انقلابی و وسیع بیان میشد. صدها هزار نفر در این راه بیمائی شرکت کرده بودند و مرحله جدیدی در جنبش کارگری آمریکا شروع شده بود. راه بیمائی و تظاهرات کارگران دولت را مجبور کرد تا بطور موقت فریب و نرسنگی را از سر دور کرده و با کمک به مبلغ ۱۰ میلیون دلار به کارگران موافقت کند. روزنامه ای نوشت: "علت چنین تصمیمی چیزی نبود جز نشت گره کرده مردم" البته گفته‌های فوق به این معنا نیست که دولت سرمایه داران به خشونت دست نزنند. پلیس تا جایی که میتوا - نست و نیروی روز علیه عملیات متشکل کارگران استفاده میکرد. هنگامیکه شورای بیکاران و اتحادیه گریستان راه بیمائی را برای ابداع انداختند، پلیس بازم بفکر توطئه چینی و حمله به آنها بود. ولی خودداری و انضباط شرکت کنندگان و سازمان دهندگان راه بیمائی باعث شد که برخوردهای خونینی پیش نیاید. بحران ادامه داشت و به همین علت کارگران نیز همچنان با فقر و بیکاری دست‌گیر شدند. در پائین سال بعد دومین راه بیمائی ملی گریستان در واشنگتن بوسیله حزب کمونیست سازمان داده شد. اکثریت سازمانهای بیکاران در این راه بیمائی شرکت کردند. خواستهای اصلی راه بیمایان عبارت بود از: کمک به بیکاران، کمک به کشاورزان، پلیس زیر فشار اقتصادی هستند، بیمه بیکاری. پلیس ساختمان مجلس را تخریب کرده، آتوب‌طلبان آماده بودند تا هر لحظه به جمع آوری زنده‌ها و زخمیها بپردازند. پلیس فرمان داده بود، هیچ یک از تظاهرات کنندگان حق ندارد حتی یک قدم به کاخ سفید نزدیک شود. راه بیمایان به پایتخت رسیدند و راه بیمایان جلوی کاخ سفید جمهوری ادامه یافت. آنها با بی‌برهنه در جای خود ایستاد، بودند و لباس گشاده‌ای به تن داشتند. آنها بدون کنترلان سخنرانان و راه بیمایان بدون خوردن غذای کافی مستقیماً به واشنگتن آمده بودند، لکن با سر بلند و موفق برساندن فریاد خود به گوش‌نویسهای وسیع مردم شدند. فشار این مبارزات باعث شد که دولت لایحه تشکیل صندوق کمک به بیکاران را تصویب کند. تحسن شرایط سخت زحمتکشان با اتحاد و مبارزه خود توانستند به هدفی اقتصادی هر چند ناچیز دست یابند. این مبارزات به کارگران نشان داد که در اتحاد و همبستگی آنها نیروی نهفته است که سرمایه داران را به زانو در می‌آورد. آنها توانستند قدم اول پیروزی را بردارند.

از کتاب "مبارزات کارگری در آمریکا" سرمایه دار ایرانی کارگر ایرانی را استثمار می کند. سرمایه دار آمریکائی کارگر آمریکائی را سرمایه دار فرانسوی کارگر فرانسوی را و ... سرمایه دار جهانی کارگران جهان را.

کارگران جهان متحد شوید! چاره نچیران وحدت و تشکیلات است تا که از روز ششمار برآوردند.

به ارتجاع و امپریالیسم ما در شده است و تاریخ خفاوت خود را مدتهاست نه فقط در مورد خلیج فارس بسیاری دیگر از لیبناها و به اصطلاح لیبناها نیز کرده است. مدتهاست که کوششهای بزدلان نامه نگار به "علی‌حضرت هما یونی"، چشم امید دوزندگان به "حقوق بشر" کارتری دنیروز، زده شده است و امروز کوشش برای تظلم بختیاره و روشنگری بیش از پیش همین لیبناها را میرساند نه چیز دیگر را.

از انتشارات جدید سازمان: مبارزات دهگانه در اروپا

هستند که تا مین زندگی و کار می‌خواهند. دولت مجبور شد برای اینکه کار بیشتر بالا نگیرد تصم عاثنی اتخاذ کند. عده‌ای از نمایندگان مجلس که همگی سرمایه‌دار بودند می گفتند که باید تظاهرات هرکندگان را سرکوب کرد. باید کارگران مبارز را "تعقیب، دستگیر و حبس‌شور نمود. ولی عده‌ای هم میگفتند که این کار کارگران را بیشتر عضاثنی میکند و باید سازمانهای کمک و مددکاری درست کرد تا سروسامان کارگران بخوابد و چیز بیشتری نخواهند. سرمایه‌داران مجبور به عقب‌نشینی میشدند و کارگران بیکار به قدم اول پیروزی نزدیک میشدند. در محله‌های کاریگری ثوراهای محلی کارگران تشکیل شده که رهبری آنها در دست شورای مرکزی بیکاران (حزب کمونیست) بود. یکی از مهمترین وظایف این ثوراه در این مرحله جلوگیری از بیرون راندن پی‌چیزان از خانه‌ها یا تنگن شدن ساکنان محله‌های کاریگری که بوسیله شورای بیکاران رهبری میشدند، غالباً بعد از خودداری با پلیس دوباره اسباب و اثاثیه‌ای که ما مجبانه‌ها با سیرجمی بیرون ریخته بودند جمع کرده‌بیه خانه‌هاشان باز میگشتند. در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) بیکاران تظاهراتی در شهر شیکاگو ترتیب دادند و خواستهای زیر را اعلام کردند:

مجلس در حدود ۵۵ تومان در هر هفته برای خانواده دو نفری (این مبلغ در آن زمان حداقل خرج یک خانواده را در هفته تا مین میکرد) و سهم کاسی برای خانواده‌های پرجمعیت‌تر، جلوگیری از بیرون راندن مستاجران، گاز نمائی، آب مجانی، بسقرو ذغال مجانی، یک رفته غذای گرم برای کودکان در مدرسه و اتوبوس رفت و آمد رایگان برای آنها. در طی تظاهرات و راه بیمائی‌ها، کارگران سعی فهمیدند که فقط بوسیله اتحاد و همبستگی میتوانند از گرسنگی نجات پیدا کنند. نمایندگان مجلس سرمایه داران به گفتارهای غلط علیه کارگران ادامه میدادند. یکی از نمایندگان در نامه‌ای به محمسن فدراسیون کاریگری که یک سازمان قلابی بود سرمایه‌داران برای منحرف کردن مبارزات کارگران آنها ایجاد کرده بودند نوشت: "بزودی" شورش گریستان "نه تنها در مراکز مجزا و پراکنده بلکه در تمام مناطق صنعتی اوج خواهد گرفت". مبارزات کارگران بیکار پیویزه در ریاست و پائین سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) بخون کشیده شد. در مرداد ماه سه کارگر در برخورد با پلیس شیکاگو جان خود را از دست دادند. پیش از یکمده هزار نفر کارگر در تشییع جنازه آنان شرکت کردند. دو ماه بعد دو کارگر دیگر در کلیولند به وسیله پلیس کشته شدند و جمعیتی در حدود ۳۰/۰۰۰ نفر اجساد آنها را تا قبرستان تشییع کردند. در همین ایام گریستان که پاره بیمائی بزرگ ترتیب دادند. ستونهای از راهبیمایان از شهرهای مختلف بطرف پایتخت پراه افتادند. اخبار این حرکت مثل بمب در واشنگتن صدا کرد. روزنامه‌های دولتی با بشرمی و با تضرع درشت نوشتند: "ستونهای بی‌اعیان بطرف پایتخت در حرکتند". سخنگوی رئیس جمهوری پیشنهاد کرد که تصمیمات فوری احتیاطی برای مقابله با راه بیمایان اتخاذ شود. دولت اعلام کرد که نمایندگان کارگران بیکار را نخواهد پذیرفت و باید پس

ادامه از صفحه اول تاریخ... دمکراتیک و فد امپریالیستی مبدول می‌داشتند تا جو دلخواه برای به شمر رسیدن کوششهای سازگارانه کل لیبناها بوجود آید. تظاهراتی با شرکتارانه شما و دیگر لیبناها در آتوزن تا آنها پیش‌رفت که امکان ملاقات بختیار و با آتوالله خمینی و نوشتن نامه از جانب بختیار به ایشان نیز تا حد زیادی فراهم شد ولی برخورد انقلابی امام (در این مورد) رشته‌های شما لیبناها را پنبه کرد. آری شما و بسیاری لیبناالتان در آتوزنها با یک جاسوس یا (به قول خودتان) در باطن اینکارها را میکردید. ولی امروز گویا دیگر شیازی برای ادامه کشمان و فرسکاری - های گذشته هم نیست. چرا که به همت لیبناها و به برکت توهم غرده بورژواها شرایطی پیش‌آمد که میتوان عربان تر صحبت کرد! اما این آب‌رفته دیگر به جوی برنمیگردد. سند حکومت بختیار غاشخ از همان اولین روز پیوسته کامل

## زحمتکشان مبارز!

روستا ئیان الک دست به کار زورگری زده اند. آنها زمینهای آباء و اجدادی خود را که مالک ارضان ۲۲ و سیزده ارضان ۴۱ بیداد و زور نموده بود، پس گرفته اند. آنها این زمینها را که حدود ۱۱۷۰۰ (یازده هزار و هفتصد و هفتاد و هفت) جمی داشتند و دست جمی از حاصل آن بهره‌خواهند گرفت. این شیوه کار بسیار بسیار باطلانه است. ما باید از روش کار این روستائیان مبارز و خردمند درس بگیریم و شیوه کار آنها را برای خود نمونه قرار دهیم. حتی باید گفت کار این روستائیان مبارز، تاریخی است. چون این عمل محضات زیادی برای همه دهقانان ستمدیده ایران دارد. بی‌شک روستائیان الک چگونه به چنین دستاورد بزرگی نائل آمدند. الک و روستائیان آنرا بشناسیم!

### الک:

الک دهکده ایست که حدود ۱۵۰ خانوار دارد و جمعیت آن حدوداً ۱۳۰۰ نفر است. از این ۱۵۰ خانوار، ۷۰ خانوار خوش نشین هستند. ۷۵ خانوار زمین کمی دارند و بقیه به قول معروف دستشان به دهانشان میرسد. حدوداً نوزده هفتاد سالی است که ده مدرسه دارد. لوله کتی در ده به طرز ناخوشایند فرگشته. چند سال پیش حمای در آنجا ساخته اند که پس از چهارالی پنج ماه کار کردن از پی آبی به حالت تشبیه درآمده. ده یک شرکت تعاونی دارد. این روستا که حدود هشت کیلومتر با جسد کای کامیاز است فاصله دارد. در زمینی نسبتاً مسطح و بسیار حاصلخیز قرار گرفته. جاده آن غاکی است و ماشین این هشت کیلومتر را به علت خرابی جاده در بیش از ده دقیقه میماند. ده آریایی است و زمینهای آن در اختیار یکی از زمینداران کردستان میماند.

### مالک ده:

مالک شخصی است به نام علیرضا سندی که به والی خان شهرت دارد. وی که مرد عیاش و قمار بازی است از اوضاع بیوشی سپرده و به هت و نیت روستا - شیان رحم نمیکند. او از دوستان نزدیک نصیری معدوم، اویسی فزاری، فرغان، رشین اسبق زاندامری کل کشور، نیازمند فرمانده سابق ناحیه زاندامری کردستان، استادان مختلف کردستان و کرمانشاهان و روسای ساواک این دو استان بوده است. او کاخی در اسلامک خود ساخته که میگوید چند میلیون تومان خرج آن کرده و برای ساختن این کاخ از کار مجانی روستائیان استفاده کرده. این کاخ در تابستان محل تجمع سر - دمداران مملکت، خوانندگان و هنرپیشگان فیلمهای فارسی بوده است. می گویند فرغان در همان هفته نخست صدی ریاست زاندامری کل کشور به الک آمده و چند روزی مهمان این خونخوار بوده است. از مهمانان عظیم الشان!! این خونخوار باید از هستی بز، بهرام پسر همین مالک، بغمایی و رضا نیک ایماش - بوردی و دیگران نام برد. او هر ساله مبالغ زیادی از پول عرق جبین روستائیان را در قمارخانه های خارج تهران، ... می باخته. هرزه گردی های این خونخوار در خارج و داخل زبانه هکان است. از کارهای فحش - انسانی والی خان ویران کردن ده دهکده مارم آباد و سید اسماعیل است.

### صالح آباد:

جوانان ده چیزی از مارم آباد نیاد ندارند، اما پیران و میانشان با مارها به این ده سزده و در شادی و عزای اهالی مارم آباد شرکت کرده اند. وقتی نام از مارم آباد یاد میکنند یک نظر ه اکثر گوشه چشمانشان می نشیند. آواره شدن اهالی این روستا که قبل از سال ۱۳۳۹ توسط والی خان ویران شد، آنها را به یاد شمی می اندازد که فرزند است بر روی دوش خود و پدران شان سنگینی نمیکند.

### سید اسماعیل:

این روستا نیز همچون مارم آباد همسایه الک میباشد. مالک در سال ۱۳۳۹ توسط آبادی خود خیر د ار میشود که دولت ناچار است زمینها را به طریقی بیسن روستائیان تقسیم کند. آنها به او خبر میدهند که هر عده مالکی میخواهد یک ده شش دانگی برای خود نگه - دارد. به محض اینکه این خبر به دست او میرسد اهالی سید اسماعیل را از ده بیرون میکند و خانه های آن را با تراکتور ماف کرده و به جای آن گندم میکارند. او به این ترتیب تمام مارم آباد و سید اسماعیل - الک را به عنوان یک ده شش دانگی جا میزند و بقیه دهات خود را مقبوضه. اهالی سید اسماعیل، که به

(۱) - کل زمینها ۹۰۰ هزار بذر میباشد که دو بستر خروار آن متعلق به روستائیان سید اسماعیل است. روستائیان این دو روستا همه ۹۰۰ خروار را با هم کشت کرده اند.

با این گزارش "هسته آرمای زحمتکشان" به مبارزه ای که بیش از این تحت نام دیگری بدان دست میزد، ادامه میدهد. مادر تپه این گزارش مدیون چندتن از روستائیان مبارز، آگاه و فعال این روستا هستیم. یکی از این روستائیان مبارز، که سواد خواندن و نوشتن نیز نداشت، اطلاعاتی بیش از دیگران در اختیار ما گذاشت. آنچه را که بصورت نقل قول خواهیم آورد، از این روستائی مبارز است. ما با مطالعه اش چنین روستائیان آگاه، تشبیه فعال و مبارزی، بخود میمالیم.

این ترتیب آواره میشوند در شهرهای کامیاران و کرمانشاه و یا دهات الک، برجم، ورمهنگ، الک کهنه و ... سکونت میگزینند. آنها اکنون بازگشته و با باری "جمعیت دفاع از زحمتکشان" کامیاران مشغول بازسازی خانه های خود هستند و تمام زمینهای قبلی خود را باز پس گرفته اند. از کارهای دیگر مالک در محبت مبارزات مردم یاد خواهیم کرد.

### گزارشی از:

## مبارزات روستائیان زمیندهی الک (تهلک)

(هسته آرمای زحمتکشان)



### روستائیان الک:

روستائیان الک بدلیل شتم شدید مالک اکثر افسوس هستند. آنها معمولاً نمیتوانند از طریق کارکشاکش و زور زندگی خود را تأمین کنند. به همین جهت در سالهای قبل پس از تمام شدن کارهای روستا، راهی شهرهای چون بندر عباس، آبادان، خرمشهر، تهران و ... میشوند و به کارگری می پردازند. اینان در نتیجه این شتم از آگاهی طبقاتی زیادی برخوردارند. آنها در این سفرها با روستائیان ستمدیده، زیادی برخورد کرده اند و از مبارزات آنها بر علیه مالک و زاندامر آگاهی یافته اند. ولی منبع آگاهی این روستائیان فقط رفت و آمد به شهر نیست. در میان این روستائیان درس خواندگانی وجود دارند که با مبارزین شهری در تماس هستند و در آگاه کردن و سازمان دادن آنان نقش فعالی دارند. ولی بطور کلی باید منبع آگاهی این روستا - شیان رزمنده را در مبارزات پیگیری آنان با مالک جست.

### مبارزات روستائیان الک

دشمن اصلی اهالی الک مالک است. این مالک و اجدادش به کمک زاندامری و سایر ادارات دولتی خون این روستائیان و اجداد آنها را در گناه کرده اند. گرچه مالک از پشتیبانی شدید و وسیع زاندامری و سایر ادارات دولتی برخوردار بوده ولی مردم رزمنده الک یک لحظه از مبارزه با مالک غفلت نکرده اند. این مبارزه بنا به شرایط و اوضاع عمارت بوده است.

روپاوشی مستقیم با مالک تا مبارزین نکردن و مرغانه و سوراخه ندادن و نکابت و غیره. نخستین مبارزات چند دهه اخیر روستائیان بر میگردد به سالهای ۳۱ تا ۳۲. در این سالها، جبهه ملی

که شمه ای در کامیاران ایجاد کرده بود، دست به تبلیغات وسیعی در میان روستائیان این منطقه میزند. مبلغین جبهه به روستائیان میگویند که دکتر مصدق میخواهد زمینها را از مالک ها بگیرد و بین دهقانان تقسیم کند. تعدادی از روستائیان الک به این امید که دکتر مصدق دست مالک شتمکار را از روستا کوتاه کند به عقوبت جبهه ملی در می آیند. این روستائیان به کمک سایر روستائیان مالک را، در هنگام اوچگیری جنشین، از ده بیرون میکنند. اما با سقوط مصدق مالک ظالم به ده برمیگردد. ابتدا کلیه روستائیان را به کنار استخر میبرد، آنها را استخر می اندازد و توسط مزدوران شیشدت مفروضان میازاد. سپس شروع می کند به شناسایی روستائیان مبارز. هرکس که قبول روستائیان " کارت مصدق" داشته از روستا فرار میکند. یکی از مبارزینی که به خود جرات میدهد و به روستائیان می گوید " اگر قانون مصدق بپایه میند، زمینها بیسن روستائیان تقسیم میند" توسط مالک دستگیر و تحویل زاندامری میگردد. این روستائی مبارز در رابطه با عقوبت در جبهه ملی و مبارزاتش علیه مالک به هفت سال زندان محکوم میگردد. مالک در این سالها خانه های چندی از مبارزین روستا را توسط مزدوران خود غارت میکند، آنها را ویران میازاد و روستائیان را از ده میراند. او پس از این تصفیه تمام زمینهای مرغوب را از روستائیان میگردد.

### مبارزه روستائیان پس از اصلاحات ارضی -

مالک پس از اطلاع از تصمیم دولت در مورد اصلاحات ارضی سید اسماعیل را ویران میکند و زمینهای آنرا در کنار زمینهای مارم آباد و الک زیر تراکتور می اندازد و به اصطلاح کشت مکانیزه میکند. به برکت این کشت مکانیزه روستائیان سید اسماعیل نیز همچون ساکنان مارم آباد آواره میشوند و زمینهای جدید اهالی الک نیز مورد تجاوز قرار میگیرد. مالک پس از غصب زمینها در سالهای بعد از ۳۲ روستائیان را به جانب کوهپایه ها و دامنه های نامرغوب میراندند. روستائیان بناچار روی زمینهای نامرغوب و غیر حاصلخیز به کار میپردازند و پس از مدتی آنها را آماده کشت میکنند. مالک با الوصفت تصمیم میگیرد این زمینها را نیز از چنگ روستائیان بدر آورد. او برای این کار حدود نصف روستائیان را قطع میکند و سه آنها میگوید اگر از احوالت کنت به آنها پول و زمین میدهد. عده ای از روستائیان به این ترتیب فریفته میشوند. مالک به زمینهای روستائیان دست درازی می کند. آنها مقاومت میکنند. در نتیجه این مقاومت روستائیان فریفته شده به روستائیان دیگر حمله میکنند. از اینجا درگیریها شروع میشود و از سال ۴۱ تا ۴۲ ادامه مییابد. در ضمن یکی از این درگیریها که چندین بار تکرار میشود دوازده تن زخم بر میدارند. مالک به این بهانه ۲۶ روستائی را توسط زاندامرها دستگیر میکند. این ۲۶ نفر هر کدام سه سیزده روز زندان و پرداخت مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال جریمه محکوم میشوند. پس از این دعوا روستائیان که همه در اخل خویشاوند هستند بطور یکسان مدمه میبندند. مالک یک سوم از زمینهای را که روستائیان بعد از غصب شدن زمین هایشان در کوهپایه ها آباد میکنند، میگیرد و به آنها حکم میکند که هرکس میخواهد بماند به نسبت تعداد اعضای خانواده از یک هزار تا یک هزار و پانصد تومان بدهد. آنها که ندارند با وروسته را میبچسند و راهی شهرها و روستاهای دیگر میشوند و آنها که نمیتوانند از روستای آباء و اجدادی خود دل بکنند به هزار بدبختی پول را تهیه میکنند و در اختیار مالک میگذارند. او مزایع ده را نیز غصب میکند. و آنها را درازا، سالبانه مبالغ هنگفتی در اختیار دادمداران کرمانشاه قرار میدهد. این اعمال چنان روستائیان فریب خورده را میزند. تعدادی از آنها شرمندگی از اعمال ناآگاهانه خود به جانب سایر روستائیان می آیند و همراه آنان به مبارزه با مالک می پردازند. تعدادی از روستائیان در سالهای ۴۴ - ۴۵ شکاری از والی خان تسلیم دادگستری کرده و خاطر رسیدگی عادلانه بدان در زاندامری کامیاران

متخمن می شوند ، ضمن تخمن یکی از گروهانان بانقشه ، قلیلی پشونی را در داخل پا ساگا آتش میزند و روستا - شیان را سه خرابکاری منجم میزند . در نتیجه این اقدام زاندارها بجان روستا شیان می افتند . به آنها کتک مفضل میزنند و سپس آنها را در اطرافهای درسته حبس کرده و بداخل اطفاها آب میپندند ، روستا شیان علمبرغم این رفتارهای وحشیانه دست از مبارزات خود برنمیدارند و از طریق عریضه نویسی و شکایت نامه مبارزه خود غرأ ادامه میدهند . این مبارزات همچنان ادامه مییابد تا این که مبارزه خلقهای ایران علیه استبداد و امپریالیسم اوجی توده ای میگردد .

● مبارزه اهالی الکت دو حین انقلاب :

تعدادی از جوانان آگاه ده به مخاوجگی سر می مبارزات مردم ایران و تظاهرات توده ای در قم ( دیماه ۵۶ ) آتکاران شروع به تبلیغات انقلابی میکنند . یکی از روستا شیان از این مبارزات چنین یاد میکند : " هم زمان با تظاهرات شروع کردم به حرف زدن . ما به روستا شیان گفتیم این شاه غاشن است و به دستگیری اوست که والی خان خون ما را میبکد . از همان ابتدا عده ای رنجیدند و با ما در افتادند . دیدیم اگر بخواهد از همینجا بپیمان ما اختلاف بیافشد کارمان زار است . پس بکار کردیم . به آن روستا شیان نزدیک شدیم . برادرانه با آنها صحبت کردیم . از بیموادی و بدبختی نمودن و فرزندان ، از آوارگی ما ، از کاذب مالک ، از شب نشینی ها ، قمار بازیها و عیاشیهای او صحبت کردیم . روستا شیان میگفتند : " اینها به شاه چه مربوط است ؟ " گفتیم : " مگر آمدنیه ها مال شاه نیستن ؟ مگر ما مورین اداره ها مال شاه نیستن ؟ اینها ها که هست و نیست ما را می خوردن و میبرند همه آدم شاه هستند . اینها که همیشه بپا تو حین میکنند آدم شاه هستند . " به روستا شیان میگفتیم : " مگر ما همه بنده خدا نیستیم ؟ مگر ما از صبح صحر تا غروب جان نمیکنیم و مرق نمیریم ؟ " می گفتند : " چرا " می - گفتیم : " پس چرا ما حتی یک حرام نداریم ؟ " پس چرا کفتها مان پارهس ؟ چرا اگر یک سرمای شدید بنویسیم میپوریم ؟ چرا هیچکس بزایمان اخترا می قابل نیست ؟ چرا همه توی سرمان میزنند ؟ ولی والی خان پیش ایشانند و رویشان زاندار بر سر شاه در صدر مجلس می نشیند و دستور و فرمان کردن خانه های ما و آواره کردن ما را می دهد ... " غلامه کار را بجای رساندیم که آنها ما را آماج کردند و دست به دستمان دادند . هم زمان با اینکار شروع کردیم به از پس بردن اختلافات بیسن خانواده ها . آنها را که با هم حرف نمی زدند ، آشتی دادیم . آنها که با هم غرده حسابی داشتند ، غمرده حسابی بپان را ماف کردیم . غلامه انقلاب ایران پیش

● زحمتکشان الکت چرا به شکایات ما جواب ندادند ، اما به یک شکایت والی خان برای ما حضار به آوردند ؟

میرفت و ما هم پیش میرفتیم . روزهای که در شهر تظاهرات بود می رفتیم شرکت می کردیم و بر می گشتیم آنها برای اهالی ده تعریف می کردیم . بپوش بپوش روایله مردم ما هم خوب شد . شب نشینی ها شروع شد . امشب منزل من ، فردا شب منزل او و به همین ترتیب در این شب نشینی ها اول بی بی سی گوش میدادیم بعدش رابع به تظاهرات مردم ایران ، تظاهرات مردم کردستان ، زمین ، استخر آقا ، خوش گذارانیهای او و پسرهایش مرتع هایمان که آنها را به جمهور میداد (۲) آوارگی های عودمان ، آوارگی اهالی سیداسامیل و غیره صحبت میکردیم . اگر کسی در این شب نشینی ها حاضر نمیشد چند نای بلند میشدیم . میرفتیم خانه اش و با او صحبت میکردیم . از منافع مشترکمان ، از دردها ، منافع از دستهای ترک خورده مان و از ظلمهای آقا برای او و صحبت میکردیم . بعد از آن او را هم به شب نشینی ها می کشانیدیم . کم کم جز چند تادی از جاشی آقا همه شب نشینی ها حاضر میشدند . کار به جایی رسید که همه با هم قسم خوردیم که پشت به پشت همدیگر بدهیم و دیگر زیر بار ظلم آقا وستم زاندارم و مامور دولت درویم . همه با هم قسم خوردیم که بگوئیم زمینهای از دست

(۲) - ما لکها مراجع را در اختیار دانستارن کرامت شاهی می گذارند و از آنها سالیانه مبلغی می -

رفت خود را دوباره پس بگیریم ... اقدامات عناصر آگاه و ست مبارزاتی مردم ده شهر میدهد . زاندارم ها که با تهدید و تطمیع از روستا " اجاوبد شاه " کو جمع میکردند ، نمیتوانند مردم این آبادی را برای تظاهرات به نفع شاه به شهرها بکشانند . آنها تنها وقتی در شهرها حاضر میشوند که بخوانند علیه شاه و مالک و هر خائن دیگری شعار بدهند . روستا شیان در طی تظاهرات بیشتر و بهتر با فجاج ما مورین شاه و بی رحمی آنها آشنا میشوند . آشناسی آنها با مردم مبارز و بکپارچه " شهر سبب میشود که بیشتر به فکر فترده تر کردن مفوق خود بیفتند . آنها در عمل بدرستی بی میبرند که اگر بخواهد با مالک و زاندارم درسیفت باید کاپلا متحد باشند . فعالتهای عناصر آگاه ، کسانیکه " کارت ممدق " داشتند ، شب نشینی ها و شرکت در تظاهرات مردم شهر این اتحاد را مستحکم میکند .

● باز پس گرفتن زمینها :

این اتحاد و همبستگی محکم در عمل به اشبات می رسد . پانزده روز بعد از سقوط بختیار ( حدود هفتم اسفند ۵۷ ) مردم ده بطور یکپارچه بپا میخیزند و زمینهای خود را باز پس میگیرند .

هستم . همه ما با هم کار میکنیم . تا حالا از دهانی چون ماراب بریم ، ورمیبتنگ ، طبانه ، دروبان ملیا ، دروبان سلی ، برآبکام ، آخگران ، ماویان ... به ده با آمده . و با ما اعلام همبستگی کرده اند . در یکی از روزهای که از دهات اطراف برای اعلام همبستگی آمده بودند به ما گفتند بهتر است کتایتم به خبر بدیم . دیدیم راست میگویند . بر دادیم شکایتی برای دادگستری نوشتیم . فکر کردیم حالا که حکومت مال خود مان است زود به کارها مان رسیدگی میکند . شکایت اول جوابی نداشت ، دومی را ، نوشتیم ، آنچه بی جواب ماند ، سومی و چهارمی و ... غلامه خبری نبود . گفتیم حال ملکتهبی ما خوبه و هر مورم است . اینطور ی شده . اداره ها که منظم نبود کارمان درست میشود . در این خیال بودیم که دیدیم از شهرها حفریه آوردند که بله ، والی خان از ما شکایت کرده . تعجب کردیم . بطور شدایتیمه شکایت مارا جواب ندادند و میبکه اوبک



در حفظ دستاورد انقلابی روستاهای مبارز الکت بگوئیم !

شکایت نوشت اخباریه آوردند ؟ نکنه ما مورین همان ما مورین هستند . شش نفری از اعلای شورای ده جلوس میشوند . میروند شهر . می بینند بله آن همان آ ش است و کاه همان کاه ...

● دهقانان مبارز !

حالا اهالی الکت به همان ترتیب که گفتیم روی زمین های خودشان مشغول کارند . آنها زمینها را تقسیم کرده اند تا اتحاد و همبستگی شان لطمه نیفتد . ما باید از این دهقانان مبارز ده های زیادی بگیریم . این درسا را میتوانیم اینطور دسته بندی کنیم :

- ۱- مالکها و تمام کسانیکه با آنها کتک میکنند ، دشمن همه دهقانان هستند .
۲- در این مرحله ، زمینها ، روستا شیان منافع مشترکی دارند و باید بپشتکارا از این نافع دفاع کنند .
۳- شرکت فعال در مبارزات خلقها سبب میشود که انسان زودتر راه حل مشکلات خود را پیدا کند و حتی در مسی موازت مثل این مورد الکت - الگوهای قابل پیروی برای دیگران کشف کند .
۴- با روستا شیان که از طرف مالکها تحریک میشوند باید برادرانه رفتار روید و خود کرد . فکر کنید که اگر اهالی الکت در شب تشکیل شورا یا لایحه با دوستان و خویشاوندان فریب خورده ، خود بر خورند نمیگردند ، چه فاجعه ای پیش می آید .
۵- برای رسیدن به هدف باید مقدمات کار را از قبل فراهم کرد . مثلا اهالی الکت که از قبل تصمیم گرفته بودند متحد علیه مالک بر خیزند و زمینهای خود را از پس بگیرند ، ابتدا اختلافات موجود در میان خود را حل کردند .
۶- پیوند دادن مبارزات شهر و روستا از اهمیت زیادی بر خوردا و است . روستا شیان ضمن شرکت در مبارزات مردم شهر شرکت نمیگردند . شهریان مبارز را بخوبی نمی شناسند ، شنیدارند و زاندارم همان اندازه که دشمن آنهاست ، دشمن شهریان مبارز نیز هست . نمی دانستند زاندارم ما مورین تقسیم شاه و دولت است و اینها هستند که از مالکها حمایت میکنند . آنها اگر در این مبارزات شرکت نمیگردند ، معنی اتحاد را بخوبی درک نمیگردند . به سخن همان روستا شیان توجه کنید :
... بکرو : زاندارها ما با سبها رنجند و دستهای جامعه اول کتک زدند و بعد ما را کتک آوردند . دست آخر تیراندازی کردند . همه رنجیم تو کوهه . دل تویدل من نبود . همه رنجیم . چشمها جاش را نمیدید . یک هوک در با زده . انگار دنیا را بمن دادند . بریدم تو . فکر کردم تنها هستم . اما غانه بر سودا بر زدم . چقدر خوشحال شدم ، در کارا آنها احساس را خفی کردم . زن ریخت . ما با هم بودیم . این خیلی خوب بود . تا حالا همین وقتی پیدا نکردم بودم ... او در ادامه سخنان خود میگوید : ... آفتوت بی بردم که با هم بودن چقدر خوب است . اتحاد چقدر لازم است . بی بردم که من خیلی چیزها را نمیدانم . مالک کاری کرده بودم که ما کورو بیژا دبار می کشیم و این چیزها را نشنیدیم . من با شهریان شروع کردم به صحبت کردن . ضمن این صحبتها بی بردم که در دنیا

... زن و مرد و کودک رنجیم رو زمینها . منظره با شکوهی بود با تراکتوری که در ده بود و به والی خان تعلق داشت شروع کردیم به شخم زدن زمین . هندسور در اوایل کار بودیم که از اطراف ریختند به کمکمان . روستا شیان دهات خنسابه با شور و هیجان و بیس تراکتورهای خود آمدند . اینکار خواب میدیدیم . تراکتورها روز اول را مکانی و افتخارا کار کردند . آنها میخواهند روزهای بعد نیز افتخارا کار کنند . ما قبول نکردیم . و به هرگز کام روزی مد تومان دادیم . بول تراکتورها را همه با هم دادیم . از خانه های جو چینی (۲) و همه جمع کردیم ...

● شورا :

مردم آبادی در عمل بی میبرند که اگر بخواهد این زمینها را دهقانان دستخ جمی نگه دارند باید شورا شای داشته باشند .

... دیدیم این میشود زمین کار دارد . مالک شکایت میکند باید کسی جوابگویش باشد . از دهات دیگر برای اعلام همبستگی می آمدند با یکی یا با دهات پذیرائی کند . این است که گفتیم ما به یک شورا احتیاج داریم . بکشف همه جمع شدیم توی مسجد . میخواستیم زیادی کردیم . آخر سر قرار شد زواره نفره عنوان اعلای شورای ده انتخاب بویوند . این دوازه نفر می - بایست از میان کسانیکه انتخاب بویوند که سابقه مبارزه با مالک داشته باشند ، ما از میان کسانیکه درس خوانده بودند و تیار زده کرده بودند دو نفر و از میان سایرین ده نفر انتخاب کردیم ، وقتی میخواستیم مسجد را ترک کنیم ، دیدیم عده ای شلح میخواند با ما دعوا راه بیندارند . رفتیم جلو گفتیم : " برادر آقا مگر ما جدا از شما نیستیم . مگر زمین فقط مال ماست . شما هم بیاید پشت به پشت ما بدهید . " گفتند : " شما میخواهید مال غیر را بقبول کنید . این مسلمان نیست . گفتیم : " پس این مسلمان است که والی خان هست و نیست ما را فرات کرده و ما را و شما را به خاک سیاه نشاند . " غلامه با هزار تکافات از دعوا و خوریزی جلوگیری کردیم . اگر خون از دماغ کسی می آمد ، همه زحمات ما به باد میرفت ، توی ده دوباره دوستگی می افتد و والی خان به ریش همه غدا میخندد . اگر کسی از ما کتفه میشد او فکر میکرد عدا بکسر تازه پیش داده است ، اما جفاش نگرفت . ما از فردا سراغ آنها رفتیم و تعداد زیادی از آنها را هم به طرف خود کشانیدیم حالا آنها هم شریک ما هستند ...

توی زمینها نخود کاشته ایم . بذر را دسته جمعی شیه کردیم . مالک بی اضاف که دید آتش حله اش نگرفت رفت به جو چینی گفت اینها زمین را و بسره زمین را بین خودشان تقسیم میکنند و چیزی به شما نمیدهند . نزدیک بود دوباره آبادی بهم بریزد . ولی ما بلافاصله این توطئه کتف مالک را هم خنثی کردیم . به جو چینی گفتیم : " اول سهم را میدیم . شما از همه بیشتر رنج برده اید . " حالا خیلی خوشحال

گیرند . روستا شیان این عمل را به " جمهوری دان " میگویند . (۳) - خوش نشین

آدم ظلمیده مثل من زیاد است. همه مثل ما روستائیان  
الک اسیر دست ظالم هستند. کم کم بی برود که در بعضی  
کشورها آدمهای مظلوم با ظالمین جنگیده اند. همه  
مظلومها بخت به پشتم داده و بخت ظالم را شکسته  
اند. بخود گفتم ما هم اگر بخت به پشتم بدهیم ،  
می توانیم حق خودمان را از مالک بگیریم...

۷- برای اینکه مشکلات سوله، خودمردم حل و فعل شود  
لازم است که روستائیان و همه زحمتکشان تشکیلاتی  
درست کنند بنام شورا . شورا در ده جمعی است که  
پر حسب شرایط هر ده وظایفی مخصوص به عهده می  
گیرد . مثلا در ده الک شورا به کارهای گوناگونی  
رسیدگی میکند . اما مهمترین وظیفه آن اداره کردن  
امور زمین با سر گرفته شده و نگهداری از اتمت .  
مثلا در دهی مثل کلبانه" وظیفه عهده شورا رسیدگی  
به اختلافات اهالی و نگهداری دادن بود . شورا  
باعت می شود که روستائیان به هم نزدیکتر شوند و  
به قدرت خود را اداره" امور بی بیرون . شورا  
باعت منظم شدن کارها میشود . اعطای شورا در  
جلست خود بهتر از بیست یا مشکلات روستائیان آشنا  
می شوند . برای آن تداومی می اندیشند . این خیلی  
مهم است . خلاصه در یک کلام شورا تشکیلاتی است که  
روستائیان از طریق آن حاکمیت خود را اعمال می  
کنند و دیگر مثل صفرها کسی برایشان تعیین  
تکلیف نمیشود . اما همین جا باید یک نکته مهم  
را توضیح بدهیم . شورا باید جمعی از مبارزترین،  
باک ترین و شایسته ترین روستائیان باشد . در  
غیر این صورت به وسیله ای برای او استفاده های  
مالکین و سایر مستگرا ن تبدیل میشود . اهالی الک  
در هنگام انتخابات برای شورا وقت کردند که جاسوس  
های مالکین ، دهقانان بی تفاوت و آنها بی که زود  
کلی میخورند وارد شورا شوند . دوباره روستائیان آن  
روستائی مبارز را بخوانیم : " این دوازده نفر  
میایست از میان کسانی انتخاب شوند که سابقه  
مبارزه با مالک داشته باشند ...

۸- اگر روستائیان درد ، مشکلات و دشمنان مشترکی دارند  
بسیار باید بعد از تشکیل شورا های خود ، آنها را بهم  
مربوط کنند . آنها باید با از میان نمایندگان  
این شوراها و با از میان دیگر روستائیان مبارز  
کسانی را برگزینند و هر چند ده با هم اتحادیه ای  
تشکیل دهند بنام " اتحادیه دهقانان " . ما  
نمونه این اتحادیه را در دهات اطراف مریوان و  
منطقه تیلکو داریم . این اتحادیه میتواند  
مبارزات مردم روستا های یک منطقه با ناحیه را بهم  
پیوند بدهد . مثلا اگر اهالی الک فقط به نگهداری  
زمین و شوری خود بکوشند بخوبی نخواهند توانست  
در برابر دسپه های مالک و ما مورین مقاومت کنند .  
اما اگر در مرحله اول با روستائیان که با  
آنها اعلام همبستگی کرده اند اتحادیه ای تشکیل  
دهند بهتر میتواند از عهده مالک برآید . این  
اتحادیه میتواند با تشکیل مبارز شهری رابطه

**شکوه همبستگی وقتی احساس شده که روستائیان  
همسایه با ترا کورهای خود یکمک روستائیان الک  
آمدند و مجانی افتخار شروع بکار کردند**

برقرار سازد و ارتجاع مبارزین شهری در امور  
مختلف استفاده کند . این پیوند نیز امکان میدهد  
تا مشکلات و شیوه های زندگی روستائیان را بهتر  
بشناسد و بهتر و حکمتر بتوانند با آنها ایجاد  
ارتباط کنند . زحمتکشان شهر و روستا مشکلات مشترکی  
دارند که فقط به کمک هم میتوانند آنها را رفع  
کنند . شهربان مبارز باید با قلم و قسطم از  
مبارزات مردم روستا ها دفاع کنند و روستائیان نیز  
لازم است که به پشتیبانی برادران مبارز شهری  
بکوشند . در این مورد خاص دفاع مشکل و همه جانبه  
از دستاوردهای انقلابی دهقانان مبارز الک ضرورت  
نام دارد . این اتحادیه باید از جانب تمام  
زحمتکشان شهر و روستا و تشکیلات سیاسی موجود به  
عمل آید . این دستاورد روستائیان رزمنده الک  
اهمیت بسیار زیادی دارد آنها نشان دادند که نباید  
هم دستاورد انقلابی را بلافاصله بین افراد صاحب  
سهم تقسیم کرد . تا ندانن قوی است و هر آن احتمال  
حمله و دسپه توطئه از جانبی می رود باید هر  
دستاوردی - در این مورد مخفی زمین - را بطور  
جمعی در اختیار تمامی صاحبان سهم ها نگهداشت .  
و حتی اگر امکان جمعی ماندن این دستاورد در آینده  
نیست ، در جمعی نگهداشتن آن کوشش محصل  
آید . آنها که از طریق استثمار زحمتکشان زندگی

**کارگر متحد همه چیز ،  
کارگر متفرق هیچ چیز**

امروزه تصحیح فرمانها " کارگران حرکت " بارک  
پرنس " و وارد همتا دو چهارمین روز خود می شود و بدین  
ترتیب یکبار از طولانی ترین تحن های حق طلبانه و هم  
چنان ادامه دارد . ۵۰ نفر از کارگران این شرکت که از  
۱۳ فروردین در محل حرکت واقع در میدان ونک دست به  
تحن زده اند همچنان با استواری تمام و به مبارزه  
خود بر علیه حق کفی ها و زور گویی های سرمایه داران  
ادامه میدهند . این عده از کارگران حرکت به دلیل توفیق  
ذات کارهای ساختمانی بدون پرداخت مزد و احتساب  
سوابق کار از شرکت اخراج شده اند و سرمایه داران خون  
خوار و زالو صفت حرکت که در دوران رونق کارهای ساختمانی  
آنها را با بهره کفی های بی رحمانه از کارگران و چنان  
و چله عده اند و حالا که دیگر آن سوور بری سابق را از  
دست داده اند و حاضر به رسیدگی کار کارگران اخراج  
چی نیستند . سهامتاران این شرکت " مجید اعلم " و " غا  
هیور فلا مرزا " و " ملک زاده " هستند که فقط ملک زاده  
در حال حاضر در ایران بسر می برد و دو نفر دیگر فرار  
کرده اند .

قابل توجه است که کارگران این شرکت و تاکنون به  
کلیه مراجع مسئول دولتی از وزارت کار - که به  
اصطلاح حامی حقوق و منافع کارگران است - گرفته تا داد  
ستانی انقلاب - که بود را داری زحمتکشان میدانستند -  
دفتر امام و آیت الله شریعتی و ... مراجعه کرده و  
مشکل خود را مطرح کرده اند . در تمامی موارد در حین  
قبول داشته اند که حق به جانب کارگران است و حسی  
نسور رسیدگی فوری بکار کارگران داده شده است .  
اما در عمل و تاکنون کوچکترین گامی در جهت بر آوردن  
خواست کارگران برداشته نشده است .

در جریان همین مبارزات و برخورد ها که کارگران  
چهره واقعی طبقات و نیروهای مختلف اجتماعی را در صورت  
واقعی خود ، می شناسند . آنان در جریان زندگی روزمره  
خود و این تجربه را می آموزند که هر طبقه و نیروی  
سیاسی جامعه را صرفا از روی ادعا و گفته های رسمی  
توان شناخت و چرا که تمامی مراجعی که کارگران این  
شرکت تاکنون به آنها مراجعه کرده اند خود را حامی و  
قربان درس حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان میدانند  
بلکه آنچه مهم است عملکرد و کردار این طبقات و نیرو  
هاست که نشان میدهد " برقرار چه طبقاتی هستند . دولت

میکند با تمام قدرت خواهند کوشید اهالی مبارز  
الک را به عقب برانند و زمین را از دست آنها  
در آورند . آنها بیش از اینکه از با زین گیری  
زمین بترسند از سرایت این تجربه عالی به جاهای  
دیگر می ترسند . بنابراین مواضعی که علیه این  
اقدام اتخاذ خواهند کرد شدید خواهد بود . بنابراین  
این لازم است پیش بینی های دفاعی برای حفظ این  
دستاورد سازمان یافته و قوی باشد . مهمترین  
عنصر برای حفظ این دستاورد ، خود دهقانان الک  
هستند . آنها با اتحاد محکم خود تا آخرین حد  
امکان خواهند کوشید از دستاورد خود دفاع کنند .  
زمین جمعی گشت شده و در مالکیت همگان مانده  
قویترین ضامن و پایگاه مادی اتحاد آنهاست .  
روستائیان سید اسما عیال که منافع مشترک و نزدیکی  
با آنها دارند نزدیکترین متحد این دهقانان  
هستند . پس از آن باید روی همبستگی روستاها شای  
که عملا به کمک اهالی الک گشته اند حساب کنند  
و در صورت امکان به اقدامات لازم در میان آنها  
دست زد . پس از این رو ستاها باید به روستائیان  
چشم دوخته که رسماً اعلام همبستگی کرده اند . گذشته از این  
روستائیان تمام روستائیان ششمیده و تمام نیرو  
های پیشرو و مترقی پشتیبانان بالقوه این روستا  
شای خواهند بود . شورای روستای الک و اتحادیه ای  
که لازم است تشکیل شود باید تمام این موارد را مد  
نظر بگیرد . " جمعیت دفاع از زحمتکشان کامیاران  
نیز در این مورد وظیفه سنگینی به عهده دارد .

با تمام قدرت از دستاورد روستائیان مبارز الک دفاع کنیم!  
تجارب آنها را در اختیار سایر روستائیان زحمتکشان قرار دهیم!  
درود بر روستائیان زحمتکشان رزمنده الک!  
منتهک ما دیوبند کلسه زحمتکشان ایران را حفظ دستاورد های  
ظلمت می!

هفته آرمان زحمتکشان  
۵۸/۲/۱۴

و حکومت بخوبی قدرت این را دارند که سرمایه داران سر  
کت را وادارند تا حق کارگران را بپردازند . اما وقتی  
در عمل هیچگونه قدری در این راه بر نمیدارند و راه را  
برای سرمایه داران به بالا کشیدن حق کارگران همچنان باز  
میگذارند و بیکارگران نشان میدهند که در واقع طرفدار  
سرمایه داران و استثمار گران هستند و نه کارگران  
و زحمتکشان .

این عدم رسیدگی بخواسته های کارگران و به هیچوجه  
آنها را از مبارزه ما بوس نمیکند . بلکه بر عکس به  
آنها می نمانند که فقط با انکا به نیروی خود و با تلاش  
در راه جمع آوری هر چه بیشتر نیرو و متذکرین و ...  
خلاصه ادامه مبارزه است که میتواند آنها را قدرتی  
کسب کند که توانائی احقاق حقوق و منافع خود را بدست  
آورند .

در اینجا روی سخن ما با سایر کارگران هم هست  
وقتی میگوئیم کارگران فقط با انکا به نیروی خود و با  
تلاش در راه ایجاد تشکلات و تعیینات است که میتوانند  
مبارزات خود را بیرون سرمایه داران و صاحبان سرمایه  
در آن رشد و گسترش بدهند . این تنها عامل کارگران  
" پارک پرنس " نیست . این چیزی است که در ادامه مستقیم  
با منافع کلیه کارگران ایران قرار میگیرد . کارگران تحت  
بیدترین حق کلیه زورگوئی قرار دارند و زحمتکشان ترین  
طبقه جامعه هستند . آنها علاوه بر اینکه ابزار تولیدی  
از آن خود ندارند و فقط با فروش نیروی کار و از دست  
دادن نیروی جانفشان است که زندگی شان را تأمین میکنند .  
این درد مشترک میلیونها کارگزار است و همین است که آنها  
در درک طبقه واحدی جای می دهند . از همین روست که در  
مبارزه بخوبی از کارگران ما پرکارگران نیز مؤلف به  
پشتیبانی و حمایت از آن بخش هستند .

اگر کارگران " پارک پرنس " و سایر همکاران  
هائی که از جانب کمیته ها و وزارت کار و ... با آنها وارد  
آمده همچنان با پیگیری به مبارزه خود برای کسب  
حقوق از دست رفته شان ادامه میدهند این وظیفه سایر  
رفقای کارگر و اعم از اخراجی و مغان است که با دادن  
اعلامیه های پشتیبانی و با مراجعه به محل تحن و اعلام  
حمایت و با فشار آوردن به دولت و حکومت برای رسیدگی  
به کار کارگران این حرکت و خلاصه با هر وسیله دیگری  
حتی اعتصاب و تحن و بهاری هم زنجیران خود متاقت و  
جبهه همکارانشان را در مقابل سرمایه داران و قوی نیرو  
قوی تر بسازند .

**تحصن کارگران**

کرمان - حدود ۵۵ نفر از کارگران جنگلداری کرمان  
روز ۲۶ خرداد ماه در یک گروه آمی خواستار پرداخت  
اضافه حقوق عقب افتاده خود شدند . لازم بذکر است که  
جندی بیش از ۷۵ تومان به حقوقشان اضافه شده بود که از  
یک هفته قبل پرداخت این مبلغ قطع شده است . کارگرا  
ضمن اظهار به مقامات مسئول تهدید کرده اند در صورتیکه  
تا آخر هفته با خواستشان موافقت نشود دست به تحن  
خواهند زد .

تهران - کارگران شرکت " ایران سرعت " از روز  
چهارشنبه ۵۸/۲/۳۰ در دفتر شرکت واقع در خیابان  
انقلاب تحن نموده اند . آنها خواستار حقوق و مزایای  
عقب افتاده خود می باشند که صاحب شرکت از قبول آن سر  
باز می زند .

**درد فروش بافان تبریز**

شرکتی بنام ایران فرش که با سهام غلامرضا پهلوی  
و سپهبدان دیگری در سر لهای گذشته ایجاد شده ،  
در یکی از محلات کارگر نشین تبریز ( مجاهدیسی -  
شاه آباد سابق ) حدود ۱۰۰۰ دستگاه دارنوش به کارگران  
داده بود . در دوران قبل از قیام عدای از کارگران تکر  
می کردند که با سرکشی ریز شاه دستگاهها به آنها خواهد  
رسید . بعد از قیام کارگران با پرداختن دستمزد  
هائیشان بیکار شدند . آنها در باشگاه کارگران تحن اختیار  
کرده و بعد از دست به اعتصاب میزنند .

جندی پیش از طرف شرکت حسابداری بهمراه  
ماموران بخانه کارگران می آیند تا فرشهای نیم کاره را از  
آنها بگیرند که با مقاومت کارگران مواجه می شوند .  
کارگران سرکشی می کنند : فرشها مال غلامرضا و ... است  
و ما آنها را نخواهیم داد مسئولین شرکت با کمک  
ماموران کمیته امام چند نفر از کارگران را دستگیر کرده  
زندانی می کنند و اینک فرشها را بتدریج از کارگران  
می گیرند .

### اوضاع عمومی:

"بندر" خوشتر بطور کلی از دو بخش تشکیل میشود. بخش اول: که کارش تخلیه کالاهاست. این بخش به وسیله شرکت "استیو دورینگ" اداره میشود. این شرکت حدود ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد که به ندرتترین وجهی استخدام میشوند ولی از آنجا شیکه اکثر کارگران از دهقانان رانده شده از دهات هستند از آگاهی طبقاتی ناچیزی برخوردارند. و اغلب آنها با سن کم استخدام میشوند. کارگران در محیط کار هیچ نوع وسائل رفاهی و ایمنی ندارند. همین بس که بکوشش در داخل انبار کشتی که درجه رطوبت هوا نیز درجه

### گزارشی از: "بندر خرمشهر"

اند، که با شرایط سخت و طاقت فرسا مشغول بکارند. آنها روزی ۱۲ ساعت کار اجباری (چرا که حقوق ۸ ساعت کار یعنی ۲۲۲ تا ۵۸۳ ریال به هجوه کفایت نمیکند) حقوقی معادل ۱۷۰۰ - ۱۸۰۰ تومان در ماه دریافت میدارند. که این حتی کفایت مخارج اولیه زندگیشان را نمیدهد. وضعیت معاش کارگران در سطح بسیار باثباتی قرار دارد و ضمناً در محیط کار هم وسائل ایمنی وجود ندارد.

### اغلب کارگران به "سل" مبتلا شده اند

به چند نمونه اشاره میکنیم: کارگران مجبورند مقدار زیادی مواد شیمیایی حمل کنند که برای سلامتیشان زیان آور است. و برای جلوگیری از مسمومیت احتیاج به ماسکهای مخصوصی دارند ولی شرکت هیچگاه در رفع این مسئله قدمی برنداشته در نتیجه کارگران دستمالهای نمینند که نه تنها از مسمومیت جلوگیری نمیکند بلکه غیربهداشتی بودن خود دستمال باعث تسریع بیماری میگردد بطوریکه اکنون اغلب کارگران به "سل" مبتلا شده اند. و بنا نمونه دیگر که بدلیل ترمز نداشتن جرثقیل، یک کارگر به هلاکت رسید. در مورثی که آمد بندر، بنا به آمار دولت و تاکید آقای خوشنام - در حضور کارگران - و تازه در زمانیکه اسکله های دیگر بیکار است، روزانه حدود ۱۰ میلیون تومان است. حال خود تفاوت کنید موقعیکه دیگر اسکله ها هم بکار افتند چه درآمد سرام آوری خواهند داشت. لکن علیرغم این درآمد کلان بازم کارگران از حداقل وسائل ایمنی برخوردار نیستند. وسائل رفاهی بپشتن! کارگران این شرکت هم بیمانی بوده و هیچگونه تضمینی برای آینده خود ندارند. از این روزی شدن خواست میرمی است که بی توجهی مقامات مسئول و دولت موقت بسدان، اعتصاب اخیرشان را سبب شده است.

### اخبار کارگری

حرارت به میزان غیرقابل تحمیلی بالاست این کارگران مجبورند که آب تا میدستی خود را به وسیله سطلی که از پشت کشتی به وسیله طناب به داخل انبار فرستاده میشود، بخورند. از لحاظ وسائل ایمنی نیز هیچ موردی را نمیتوان بافت که در آن کوچکترین و ابتدائی ترین نکات ایمنی رعایت شده باشد. کارگران شرکت "استیو دورینگ" از لحاظ درمانی نیز وضع اندیاری دارند. بطور مثال دو نفر از کارگران بندر که دوسال پیش تکشان آب آورده بود بعد از مدتها که در خرمشهر و آبادان سردانه شدند، امارا له کوشش سندیکای "ایران ترمینال" به تهران فرستاده شدند که دیگر قابل درمان نبودند. کارگران این شرکت در ازای روزی ۱۲ ساعت کار طاقت فرسا بیش از ۲۷ تا ۳۵ تومان حقوق میگیرند و ضمناً "بیمانی" هم هستند. یعنی کوچکترین تأمین ثقلی هم برایشان وجود ندارد.

برعامل قبلی شرکت در جریان جنین اخیرنوده ها فرار کرد است. و از طرف دولت جمهوری اسلامی شخصی به نام رسولی اوظیف مدیرعامل شد کارگر قبلی را کامل و به نحو احسن انجام میدهد! البته لازم به تذکر است که آقای رسولی قبلا هم در سمتهای مدیر عاملی شرکت "ایران سرعت" (شرکت حمل و نقل وابسته به غلامرضا برادر شاه سابق) و مدیر عاملی شرکت ایران ناسیونال، توانسته خدماتی برای اشرار پهلوی انجام دهد.

بخش دوم: این بخش شامل تخلیه اسکله و بندر است. باری که روی اسکله آمده انبارها و محوطه ها و به خارج بندر انتقال پیدا میکنند. این کار توسط شرکت "ایران ترمینال" - بطور عمده - و اداره بندر صورت میگیرد. شرکت "ایران ترمینال" درسال ۱۳۵۵ تا سینه شده و قرار داشت این کارگران تا تاریخ ۵۷/۱۲/۱۱ بوده است. که "قوام" به عنوان مدیرکل جدید اداره بنا در تاریخ ۱۷ اسفند بدون در جریان گذاشتن کارگران قرار داد را به ماه دیگر تجدید می کند که با کنش لامل شدید کارگران مواج میشود و قول میدهد که تا سه ماه دیگر (۵۸/۲/۱۱) کارگران ایران ترمینال بطور اتماماتیک! به استخدام رسمی اداره بندر درمیآیند.

سرمایه شرکت ایران ترمینال متعلق به شرکت "تی - من - پاک" است که سهامداران عمده آنرا برادران "بیاک" و "مادر فرح" (دیبا) تشکیل میدهند. مدیرعامل شرکت "ایران ترمینال" شخصی است به نام نفیج که بر اثر برخورداری از موازات و سودهای هنگفت این شرکت خود سهامداری عمده شده است. از شرکت های دیگری که شرکت "تی - من - پاک" تاسیس کرده است، شرکتی است به نام "بیمبارس کانتینر" که کارش حمل و نقل کانتینرهاست. علاوه بر این شرکت "تی من پاک" در بسیاری نقاط اسکله های عمومی دارد که کشتی های عمومی بدون نوسن در این اسکله ها بارگیری میکنند. (اسکله: جوینس در خرمشهر و اسکله ای در کالیفرنیا).

سرمایه داران زالو مفت شرکت "ایران ترمینال" ۱۷۳۵ نفر کارگر و کارمند (حدود ۱۵۰۰ کارگر و بقیه "بار شمار" که همگی تابع قانون کار میباشند) را در بندرین شرایط تحت روابط نامنظم استثماری قرار داده اند. اغلب کارگران شرکت "ایران ترمینال" مانند کارگران استیو دورینگ از دهقانان رانده شده از زمین -

### گزارش تخمین شرکت ویلیام براذرز ۵۸/۳/۲۶

شرکت آمریکایی الاصل "ویلیام براذرز" با سرمایه آمریکائی یکی از شرکتهای مظلیمی است که عدالت ر کشورها ی خاورمیانه و آفریقا بصورت کنتراتی کار میکند. مثل کشورها ایران، عراق، ایسالات متحده عربی - عربستان سعودی - لیبی - مصر - آفریقای جنوبی الجزایر برونجد کسوردر بگر. عمده فعالیت این شرکت در بخشهای ساختمانی ولوله کشی است. بخش ایران این شرکت در آغاز فعالیتها ی در کارهای ساختمانی قسمتهای مختلف ارتش انجام میداده که بعد امد تا به کارهای عظیم لوله کشی مشغول بوده است از جمله این کنتراتها، میتوان از کشیدن نیسی از شاه لوله گاز ایران - شوروی نام برد. که نیم د پیکش توسط خود شوروی کشیده شده است.

بخش داخل این شرکت بعد از انقلاب توسط نماینده "کارفرما" رضاهایی نیا تعطیل گردیده است. کارگران اخراجی شرکت مذکورکه بین ۶۰۰ - ۷۰۰ نفر میباشند. پس از چند بار مراجعه به دفتر شرکت، خواهان پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و پاره پاره شده خود میشوند که مواجهه بابی احتیاجی و معافلت نمائنده کارفرما که همه کاره شرکت است میشوند. از اینطرف کارفرمای مذکور دستگیره غنیمت میگیرند تا ریزیکه خواستهایشان برآورده شود. خواستهای کارگران اخراجی شرکت به شرح زیر است: ۱- بازگشت کلیه کارگران بزرگوار سابقان ۲۰ - ۳۰ حق اولاد ۳- پرداخت بدهیها قابل تذکر است که هیچیک از کارگران در نتیجه بیهوشی نماندند ۴- حق مسکن و خوار و بار ۵- حق اخراجی سالی ۲ ماه ۶- عیدی سالی ۵۰ روز ۷- ۱۵ روز کاربانی ۸- پرداخت خسارت به کسانی که طی ساعتهای تقاضی خود پیدا کرده اند. ۹- دریافت روزی چسار ساعت اضافه کار پرداخت نشده ۱۰- دریافت سه هفته روزهایی تعطیل ۱۱- حق ترانسپورت (سرویس) ۱۰ تومان برای هزرفر.

برطبق توافق که بین کارگران بانمانده "کارفرما" رضا الهی نیا در حضور نماینده کمیته امام "علاجیان" منطبقه ۶ د تاریخ ۵۸/۳/۲ صورت میگیرد، نماینده شرکت تعهد میکند که در ظرف مدت ۱۰ روزه وضع کارگران رسیدگی بکنند و کمیته امام نیز بواسطه شده در مجال آزادی کارفرما، متعهد میشود که در صورت عدم رسیدگی کارفرما، مشخصات و آدرس محل زندگی نماینده کارفرما را در اختیار کارگران گذاشته جهت بازداشت نماینده کارفرما و احقاق حقوق آنان، کارگران را پاری کند.

ولی مهلت رسیدگی به خواستهای کارگران که از روز ۵۸/۳/۲ تا ۵۸/۳/۷ بود بسرآمد و هیچ گونه اقدامی از طرف نماینده کارفرما صورت نگرفت. در نتیجه کارگران که تا آنزمان بطور پاره پاره در شرکت محضن شده بودند بصورت مشکل تیره محضن خود ادامه میدهند و طی قطعنامه ای که خواستهای خود را در آن درج کرده بودند اعلام میکنند که تا احقاق حقوق حقه خود به محضن ادامه خواهند داد. و از دولت می خواهند که در جهت رسیدن به خواستهایشان آنها را یاری کند و در ضمن از دولت میخواهند که از آنجا شیکه شرکت مزبور مبلغ موجودی قابل توجهی در شرکت ملی نفت محضن است بماندنی ساختمان دارد. اقدام عاجل به عمل آورد تا از استرداد آن مبلغ به شرکت تاروشن شدن وضع کارگران خود - داری کند. طی مدت محضن کارگران هیچگونه اقدامی نه از طرف نماینده کارفرما، نه از طرف کمیته امام منطبقه و نه از طرف دولت موقت، در جهت رسیدگی به خواست کارگران صورت نگرفته است و کارگران در محضن شرکت همچنان به محضن خود ادامه میدهند. وضع اقتصادی کارگران بسیار خراب است و ریزش شدید گذشته عده ای از آنان جهت تهیه پول و غذا برای محضنین ارتحضن خارج میشوند. کارگران عمدتاً شهپرستانی و خانوادها پیشان در شهپرستانها زندگی میکنند که در وی از خانواده خود عامل تهیه کنندگی روحی آنهاست. میزان آگاهی کارگران و سواد سیاسی آنها بسیار کم است. عمده کارگران را مردان سالخورده تشکیل میدهند. در طول مدت محضن کارگران از طریق قرض از یکدیگر کمالات خود را می گذرانند. نماینده کارگران تماسها یسی با نمایندگان کارگران بیکار ساختمانی و تاسیساتی در خانه کارگر گرفته اند همچنین با همین دفتر، و قرار است که از کاتال آنها اقدامی انجام پذیرد. کارگران تا امروز ۵۸/۳/۲ همچنان به محضن خود ادامه میدهند.

این محضن در ضمن داشتن نکات بسیار مثبت، بنظر ما از این نظر عمده است که میتواند در نتیجه گیری از محضن تاثیر سوئی داشته باشد.

این عمل که کارگران برای گرفتن حقوق خود به مراجع گوناگون و به انبوا عیبوهها متوسل شدند - اقدام مفیدی است و در حل مشکلات میتواند کمک کند اما صفحه ۲

### چگونگی تشکیل سندیکا

در گذشته و همچون دیگر محیط های کارگری، سندیکائی فرمایشی نمائندگی کارگران زحمتکش را در اختیار داشت. و کارگران اغلب از آن بعنوان سندیکای ضد کارگری با میدگردند، که درجه ای اوج - کمتری مبارزات توده های زحمتکش از هم باشد. و در پی آن، کارگران آگاه و مبارز، با پشتیبانی اکثریت کارگران مبارزاتی را برای گرفتن حق شیفت شبانه که معادل ۱۰٪ حقوق بود، آغاز کردند. و در همین ماه توانستند این خواسته، بحق خود را به کارفرمای زالو مفت تحمیل کنند. و بدینا شب بپیگری مبارزه خود، با دوش و عبیدی راهم از جنگ کارفرما بدر آوردند. در جریان این مبارزات، اولاً کارگران پیش از پیش به لزوم وحدت و مبارزه برای حقوق حق خودی بر آمدند. ثانیا به کارگران مبارز که رهبری مبارزات را در این مدت بدست داشتند، اعتماد کردند. چه این کارگران همه، توان خود را در خدمت پیشبرنده اهداف کاری گری گذاشته بودند. کارگران مذکور با شمار این پیشروانه توده ای توانستند "هیئت موسس" سندیکای کارکنان ایران ترمینال را تشکیل دهند. در ارفند ماه انتخابات سندیکا انجام شد و کارگران نمایندگان را و انتخاب نموده و در فروردین ماه ۵۸ شرکت را وادار کردند تا مکانی را برای فعالیتها بنشان در اختیار کارگران قرار دهد. از این پس سندیکا بطور رسمی به فعالیت پرداخت.

### مبارزات سندیکا

سندیکا مبارزه خود را با اعلام خواست "رسمی شدن کارگران بیمانی و همچنین قطع به بیمانگان و زالو مفت" که ضمناً ارتباط لاینفکی با هم دارند، شروع کردند. شما - بندگان برای احقاق حقوق خود، نامه ای بدولت نوشتند که اولی در تاریخ ۵۷/۱۲/۱۸ به مدیرعامل سازمان بنا در (قوام) بود. ولی از طرف قوام جوابی بمانان داده نشد. در نامه بعدی که برای نخست وزیر، وزیر کار، وزیر راه و ترابری و حضرت آیت الله طالقانی فرستادند، کلیه اقدامات و خواسته های برحق خود را شرح دادند ولی این نامه هم بدون جواب ماند. در این زمان عده ای از کارگران آتش